

میراث فرهنگی زیدیان ایران و انتقال آن به یمن*

محمد کاظم رحمتی^۱

چکیده

مهاجرت عالمان زیدی به ایران در میانه قرن سوم قمری و تأسیس حکومت زیدیه در نواحی دریای خزر هر چند عمری کوتاه داشت، اما از حیث فرهنگی به علت وجود مراکز و جوامع زیدی در آن نواحی و برخی شهرهای خراسان، تا چندین سده پس از سقوط امارت علویان طبرستان، تداوم یافت. در قرون ششم و هفتم قمری میراث زیدیان ایران در چند مرحله به یمن منتقل شد که نقش مهمی در شکوفایی فرهنگ و تمدن زیدیه در آنجا داشته است. این مقاله نخست به معرفی میراث زیدیان ایران و پس از آن به بحث انتقال میراث زیدیه به یمن و اهمیت آن می‌پردازد.

واژگان کلیدی: زیدیه، قاسم بن ابراهیم رسی، ناصر اطروش، معتزله، قاضی جعفر بن عبدالسلام مسوری.

Some Notes about the Cultural Heritage of Zaydi Shi'ism in Iran and Its Transmission to Yaman

Mohammad Kazem Rahmati²

Abstract

The immigration of Zaydi scholars to Iran in the middle of the third century AH/tenth century CE and the establishment of a short-lived Zaydi emirate in the Caspian provinces of Iran did significantly contribute to the flowering and subsequent enrichment of Zaydi traditions of religious scholarship across the vast swathes of land in Iran stretching from the centers of Zaydi community in northern Iran to major centers of urban life in Khurasan, which was to continue for centuries even after the demise of the Zaydi emirate in Tabaristan. In the course of the sixth and seventh centuries AH/twelfth and thirteenth centuries CE, these traditions of religious scholarship were to be transferred from Iran to Yemen, wherein they helped the spread and institutionalization of Zaydi scholarly discourse. This present study commits in the first place to outline the underpinning tenets of Zaydi scholarly tradition in Yemen, and then deals with the transmission of Zaydi traditions of religious scholarship from Iran to Yemen.

Keywords: Zaydiyya, Qasim b. Ibrahim Rassi, Nasir al-Utrush, Mu'tazilism, Qazi Ja'far b. 'Abd al-Salam MisWai

* تاریخ دریافت مقاله ۱۳۸۹/۹/۱۵ تاریخ پذیرش ۱۳۸۹/۱۲/۲۰

۱. استادیار بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

2. Assistant Professor of Encyclopaedia Islamica Foundation

مقدمه

قیام زید بن علی در سال ۱۲۲ هجری و پس از آن حرکت‌های مختلف امامان زیدی مذهب در نهایت به تشکیل دو امارت زیدی نخست در نواحی شمالی ایران و سپس در یمن منجر شد، هر چند عمر دولت زیدی نواحی شمال ایران چندان طولانی نبود اما دولت زیدیه در یمن با فراز و نشیب‌های تا سده پیشین ادامه یافت. تاریخ سیاسی زیدیه در هر دو امارت بر اساس اسناد و مدارک باقی مانده تا حدی مورد بحث و پژوهش قرار گرفته‌است،^۳ هر چند درباره تاریخ زیدیه ایران به دلیل نبود اطلاعات کافی خاصه در دوران پس از سقوط امارت زیدیه طبرستان، اطلاعات بسیار اندکی در دست است که بر اساس آنها نمی‌توان تصویر روشنی از وضعیت فرهنگی زیدیان ایران ترسیم کرد. درباره جوامع زیدی ایران در سده‌های هفتم تا دهم قمری به‌رغم اطلاع از حضور آنها به دلایل مختلفی از جمله عدم نگارش اثری در تراجم‌نگاری یا تاریخ‌نگاری زیدیه در این برهه و از سوی دیگر به واسطه عدم انتقال میراث زیدیان به یمن خاصه آثاری که به زبان‌ها و گویش‌های محلی در سده‌های مذکور نگاشته شده، نمی‌توان بحث خاصی ارائه کرد. به واقع تنها مستندات تاریخی درباره زیدیان در آن دوره، نسخه‌های خطی است که اثری زیدی و یا کاتب آن فردی زیدی است. گاه در حواشی این نسخه‌ها اطلاعاتی درباره برخی افراد که به احتمال زیدی بوده‌اند، نیز آمده‌است.^۴

۳. درباره بررسی تاریخ سیاسی علویان طبرستان مادلونگ تحقیقات قابل تاملی ارائه کرده است، از آن میان، نک:

Wilfre, Madelung, *Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim und die Glaubenslehre der Zaiditen* (Berlin: Walter de Gruyter, 1956); "Abu Ishaq al-Sabi on the Aldis of Tabaristan and Gilan," *Journal of Near Eastern Studies* 26 (1967) pp.17-57; Wilfre, Madelung, "The Alid Rulers of Tabaristan, Daylaman and Gilan," in: *Atti del III Congresso di Studi Arabi e Islamica*, Ravello, (1966: Naples, 1967), pp.483-492; Wilfre, Madelung, "The Minor Dynasties of Northern Iran," *The Cambridge History of Iran. Volume 4: The Period from the Arab Incaion to the Saljuqs*, ed., R. N. Frye (Cambridge, 1975), pp.198-249.

استرن نیز در مقاله‌ای بر اساس برخی سکه‌های موجود ضرب شده در هنگام امارت خاندان ثائریان بر شهر هوسم، بحثی درباره

تاریخی سیاسی این خاندان زیدی - ناصری آورده است، نک:

S.M.Stern, "The coins of Amul," *Numismatic Chronicle*, 7 ser. 7 (1967) pp.210 - 213,216-220,227-231,239-240,269-277.

۴. برای بحثی از برخی نسخه‌های خطی زیدی و اهمیت آنها برای بررسی تاریخ زیدیه در میان سده‌های مذکور بنگرید به: محمد

تقی دانش پژوه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۷ش)، ج ۱۶،

ص ۳۱۴-۳۱۹، ۷۶۷-۷۶۸؛ حسن انصاری قمی، «میراث زیدیان ایران (۱): کتابی کلامی از ابومضر الشریحی»، در:

<http://ansari.kateban.com/entry1678.html>. (accessed: jan 5, 2011).

Hasan Ansari and Sabine Schmidtke, "Iranian Zaydism During The 7th/13th Century: Abu L-Fadl b. Shahr dawir Al-Daylami Al-Jilani and His Commentary on The Quran," *Journal Asiatique* 299.1 (2011), pp.205-211.

نسخه مهم و ارزشمند دیگری که اطلاعات مهمی درباره زیدیان قرن هشتم هجری در بر دارد، نسخه‌ای در شرح حال برخی

رجال زیدی است و حالت مشیخه دارد و در یکی از کتابخانه‌های نجف موجود است. بنگرید به: سید علی موسوی نژاد، «زیدیان شمال

ایران در قرن هشتم هجری بر اساس نسخه‌ای تازه یاب»، «هفت آسمان (تابستان ۱۳۸۷)، شماره ۴۸، ص ۱۱۳-۱۳۸.

نقش فرهنگی زیدیة ایران به غم وجود اطلاعات فراوان هنوز به دقت مورد بررسی قرار نگرفته است. به واقع جامعه زیدیه یمن علیرغم آنکه یکپارچگی سیاسی منسجم تری از زیدیان طبرستان داشت، به دلیل تقید شدید جامعه زیدیه یمن به تعالیم الهادی الی الحق و محوریت همه جانبه وی، روابط فرهنگی چندانی حتی با جوامع زیدی عراق نداشت و اساساً به همین دلیل است که بخش اعظمی از آثار زیدیان عراق به دلیل عدم ارتباط جامعه زیدیه عراق و یمن از میان رفته است. برای نمونه، ناصر اطروش (متوفی ۳۰۴ق) آثار فراوانی به رشته تحریر درآورده که اکنون تعداد اندکی از آنها موجود است و بیشتر به دلیل بی علاقه‌گی و یا شاید عدم انتقال این آثار به یمن از سوی هواداران مکتب فقهی الهادی، از بین رفته‌اند. محلی در قرن هفتم، به برخی از آثار اطروش از جمله کتاب‌های البساط، الحجج الواضحة بالدلائل الراجحة فی الامامة با رویکرد زیدی، الامالی که در آن احادیثی در فضیلت اهل بیت نقل کرده، اشاره کرده است. بعدها برخی از زیدیان هوادر مکتب فقهی او که به ناصریه شهرت یافته، به گردآوری نظرات فقهی وی توجه نشان داده‌اند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب‌های الحاصر فی فقه الناصر از ابوالحسین هارونی^۵، الناظم نگاشته ابوطالب هارونی، الموجز ابوالقاسم بسنی و از همه مهمتر کتاب الابانه ابوجعفر محمد بن یعقوب هوسمی اشاره کرد.^۶ کتاب هوسمی متنی مرجع در میان فقیهان ناصری مذهب طبرستان، دیلمان و گیلان بوده و شرح نویسی بر آن متداول بوده است.^۷ هوسمی خود نیز کتاب را بر اساس گفته‌های شهری در سه تحریر نگاشته است. متأسفانه این اثر ارزشمند که نسخه‌های خطی فراوان اما ناقصی از آن باقی مانده، هنوز منتشر نشده است. تنها اثر منتشر شده ناصر اطروش، اثری است به نام کتاب البساط که اثری است کوتاه و از مسائل کلامی، ایمان، کفر، نفاق، هدایت و ضلالت و جبر و مباحث قضا و قدر که در روگار اطروش از مهمترین مسائل کلامی بوده، بحث کرده است.

ناصر اطروش در مسائل فقهی، آراء و نظرات خاص خود را داشت و دیدگاه‌های در مسائل مختلف فقهی با دیدگاه‌های قاسم بن ابراهیم و الهادی تفاوت داشت. وی در مسئله طلاق بدع

۵. نسخه‌ای از این کتاب در اختیار احمد بن صالح ابن ابی الرجال، مطلع البدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیة، تحقیق عبدالرئیب مطهر محمد حجر (صعده، مرکز اهل البيت (ع) للدراسات الإسلامیة، ۱۴۲۵ق/۲۰۰۴)، ج ۳، ص ۲۲۰-۲۲۱ بوده و نقلی از آن آورده است.

۶. حمید بن احمد المحلی، الحدائق الوردیة فی مناقب الأئمة الزیدیة، تحقیق المرتضی بن زید المحطوری الحسنی (صنعا: مکتبه مرکز بدر العلی و الثقافی، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲)، ج ۲، ص ۵۸. محلی مطالبی را از آثار ناصر اطروش که در اختیار داشته نقل کرده اما به نام آنها اشاره نکرده است.

۷. برای آگاهی درباره برخی از عالمان زیدی ایرانی که بر کتاب الابانه شرح نگاشته‌اند، بنگرید به: ابن ابی الرجال، ج ۳، ص ۸ (ابوطالب فارسی)، ص ۱۸۰ (علی بن اوج).

درستی انجام سه طلاق در یک مجلس) و مسائل دیگر نظرات نزدیک به فقه امامیه را داشته‌است و طلاق بدعت را نادرست می‌دانسته‌است. همچنین وی در مسئله ارث و مفهوم عصبه (خویشاوندان پدری) برخلاف زیدیه نظر به توسع آن به خویشاوندان دختری هم داشته‌است. وی که جد مادری سید مرتضی (متوفی ۴۳۶ق) است در مسائل فقهی، آرائش به فقه امامیه نزدیک است. ناصر اطروش شاگردان فراوانی داشته که از جمله آنها می‌توان به ابو عبدالله محمد بن عثمان نقاش،^۸ ابوالحسین علی بن اسماعیل بن ادیس حنفی، عبدالله بن حسن ایوازی رویانی و علی بن موسی باندشتی اشاره کرد. ایوازی نزد اطروش، کتاب *النصوص* او را خوانده و از شاگردان جعفر بن محمد بن شعبه نیروسی صاحب *المسائل النیروسیه* از شاگردان قاسم بن ابراهیم رسی نیز فقه زیدیه را فرا گرفته‌است.^۹ احمد نیروسی ایوازی شاگرد عبدالله بن حسن بوده که علی بن حسین اثری ایوازی، استاد ابو جعفر هوسمی، شاگرد او بوده‌است.^{۱۰} باندشتی منسوب به روستای باندشت در اطراف آمل، از جمله اصحاب ناصر است که مدت طولانی با او هم صحبت بوده و کتاب *الابانه* را در اصول فقه نگاشته و اثری نیز در اثبات امامت ناصر اطروش تألیف کرده‌است.^{۱۱} بعدها شاگردان و برخی از پیروان ناصر اطروش، چون محمد بن علی ایوازی در کتاب *المُسفر*، علی بن پیرمرد دیلمی در *المُعنی* و ابو جعفر هوسمی در کتاب *الابانه* به تدوین فقه اطروش همت گمارده‌اند. ناصر اطروش در رساله‌ای به نام *الاحتساب*، به بحث مفصل از مسئله حسبه پرداخته و وظایف محتسب را به تفصیل بر شمرده‌است. رساله اطروش یکی از کهنترین آثار موجود در سنت اسلامی درباره حسبه است.^{۱۲}

با این حال در قرن ششم و هفتم هجری اتفاقاتی در جامعه زیدیه یمن افتاد که باعث توجه آنان به دیگر جوامع زیدی، خاصه عراق عجم و خراسان شد. هر چند بخشی از زیدیان طبری که از سنت رسمی قاسم بن ابراهیم رسی و الهادی الی الحق پیروی می‌کرده‌اند، با جوامع زیدی عراق و یمن

۸. ابوالحسین احمد بن حسین الهارونی، *الامالی الصغری*، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (صعده: دار التراث الاسلامی ۱۴۱۴ق/۱۹۹۳)، ص ۹۹-۹۴ و ۱۰۳-۱۰۱.

۹. ابن ابی الرجال، ج ۳، ص ۷۳-۷۵.

۱۰. همان، ج ۳، ص ۲۳۱.

۱۱. همان، ج ۳، ص ۳۵۶-۳۵۷. برای آگاهی درباره توصیفی کوتاه از فقه ناصر اطروش، نک: السید صارم‌الدین ابراهیم بن محمد الوزير، *الفلک الدوار فی علوم الحدیث و الفقه و الآثار*، حقه و علقه علیه محمد یحیی سالم عزان (صعده - صنعا: مکتبه التراث الإسلامی و دار التراث الیمنی، ۱۴۱۵ق/۱۹۹۴)، ص ۶۲-۶۱.

۱۲. متن کتاب مذکور را عبدالکریم احمد جدبان کتاب با عنوان *الاحتساب* (صعده: مکتبه التراث الاسلامی، ۱۴۲۳ق/۲۰۰۲) منتشر کرده است. درباره فقه ناصریه، نک: محمد کاظم رحمتی، «نکاتی درباره مکاتب فقهی زیدیه»، *جستارهایی در تاریخ اسلام و ایران* (تهران: انتشارات بصیرت، ۱۳۹۰ش)، ص ۱۷۳-۱۶۹.

در ارتباط بوده‌اند.^{۱۳} در مدت اقامت الهادی الی الحق در امل، گروهی از طبریان او را در بازگشت به یمن همراهی کردند و برخی از آنها در یمن ماندگار شدند که از جمله آنها ابوالحسین احمد بن موسی طبری^{۱۴} است که آثاری نیز در کلام زیدیه نگاشت، از آن میان کتاب المنیر (الانوار الکاشفه فی معرفه الله و رسله و صحه ما جاؤا به) و کتاب المجالس که مشتمل بر مناظرات و گفتگوی‌های کلامی اوست که باقی مانده و به چاپ نیز رسیده‌است.^{۱۵}

در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم قمری جریانی کلامی در یمن که مدعی تداوم میراث کلامی الهادی الی الحق بوده، ظهور یافت که به مَطَرَفِیه مشهور شد. با این حال از سوی برخی از زیدیان جدید، حرکتی منحرف و بدعت آمیز معرفی شد و تلاش جدی برای نابودی آن صورت گرفت که در همین میان توجه زیدیان یمنی به میراث زیدیه ایران که در این مجادلات به عنوان ابزاری به کار گرفته شد، مورد توجه قرار گرفت. آنچه که مسئله مذکور را تسریع بخشید، پذیرش امامت زیدیه یمن از سوی جوامع زیدی ایران بود، اتفاقی که روزگار ابوطالب اخیر (متوفی ۵۲۰ق) رخ داد و بعدها نیز تداوم یافت.

واپسین علوی زیدی نواحی شمال ایران در قرن ششم که امارتی در دیلم تشکیل داد، ابوطالب اخیر، یحیی بن احمد بن حسین المؤید بالله أحمد بن حسین هارونی است. وی در سال ۵۰۲ در گیلان خروج کرد و توانست ضمن تسلط بر گیلان، بر هوسم و دیلمان تسلط یابد. اما امیر ثائری هوسم شریف حسنی او را از آنجا بیرون راند و ابوطالب به لاهیجان عقب نشست. اما بعد از مدتی توانست بر هوسم نیز تسلط یابد. دشواری جدی او نیز اسماعیلیان بودند که بیشتر ایام او به درگیری با آنها گذشت. او قاضی ابوطالب نصر بن ابی طالب بن ابی جعفر که فقیه و عالم زیدیان روزگارش

۱۳. مهمترین شاهد بر وجود گروه‌های از پیروان قاسم بن ابراهیم در دیلم، خاصه بخش استنداریه، نام برخی از شاگردان او چون جعفر بن محمد نیروسی رویانی (اهل روستای نیروس رویان) و رساله‌ای کلامی از قاسم بن ابراهیم است که در آن به پرسش‌های گروهی از مردم طبرستان پاسخ داده است:

Binyamin Abrahamov, «The Tabaristanis' question: edition and annotated translation of one of al-Kasim ibn Ibrahim's epistles», *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 11, 1988, pp.16-54.

۱۴. اطلاعات چندانی درباره ابوالحسین طبری در دست نیست و مطالب مندرج در شرح حال وی در کتاب‌های شرح حال نگاری زیدیه نیز عموماً نقل قول‌هایی است از آثار او: محمد بن علی بن یونس الزحیف المعروف بابن فند، مؤثر الابرار فی تفصیل مجملات جواهر الاخبار و یسمى اللواحق التدیة بالحدائق الوردیة (شرح بسامه السید صارم‌الدین الوزير)، ج ۲، تحقیق عبدالسلام عباس وجیه و خالد قاسم محمد المتوکل (صنعا: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیة، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۲)، ص ۵۸۳-۵۸۱؛ ابن ابی الرجال، ج ۱، ص ۴۶۸-۴۷۹.

۱۵. محمد کاظم رحمتی، «دو کتاب کهن زیدی از عالمی ایرانی»، مقالاتی در تاریخ زیدیه و امامیه (تهران: انتشارات بصیرت، ۱۳۷۸ش)، ص ۳۹-۳۵.

بود،^{۱۶} به نمایندگی به صعه فرستاد که دعوت وی به امامت را در صعه به سال ۵۱۱ خوانده‌است. مُحلی گفته که امیر محسن بن حسن بن ناصر بن حسن بن عبدالله بن محمد بن مختار بن ناصر بن الهادی الی الحق دعوت امامت او را پذیرفت و به نیابت از او بر نواحی از یمن حکم راند اما با کشته شدن او و پسرش در ۵۱۳ توسط برخی در صعه، ابوطالب علوی دیگری به یمن فرستاد و او کشندگان امیر محسن را مجازات کرد. ابوطالب در روستای قیتوک از روستاهای تنه‌یجان در ۵۲۰ قمری درگذشت، به علت تسلط و قدرت فراوان اسماعیلیان وصیت کرد تا او را مخفیانه دفن کنند و از محل دفن وی کسی مطلع نگردد. مُحلی متن دعوت‌نامه او را که برای زیدیان یمن فرستاد، نقل کرده‌است.^{۱۷}

در پی این توجه، بخش اعظمی از میراث زیدیه نواحی شمالی ایران و خراسان در چند مرحله به یمن منتقل شد. اهمیت دیگر میراث زیدیه ایران به دلیل وجود جریان‌های کلامی - فقهی متفاوتی از سنت زیدیان یمنی است و همین باعث حفظ بخشی از میراث نخستین زیدیان عراق و جریان‌های درونی زیدیه ایران شده که برای مطالعه تاریخ تحولات کلامی زیدیه اهمیت فراوانی دارد و سنت رسمی زیدیه یمنی این گونه مطالب را منتقل نکرده‌است. یکی از این مسائل، درباره جانشینی الهادی الی الحق امام زیدیان یمنی است.

پس از درگذشت الهادی الی الحق در ۲۹۸ قمری مهم‌ترین مسئله مشکل ساز در شرح حال امامت فرزندان الهادی، کناره‌گیری احمد و به دست‌گیری قدرت توسط الناصر است. نکته جالب توجه اشاره علی بن بلال آملی، عالم زیدی ایرانی قرن پنجم قمری در اشاره به نحوه جانشینی المرتضی احمد و به نقل از سیره الهادی است. الهادی، المرتضی را بعد از خود در وصیت‌نامه‌ای که نگاشته بود به امامت پس از خود منصوب کرده‌است. هر چند ظاهراً به دلیل نامتعارف بودن این مطلب در سنت امامت زیدیه باشد که در نسخه‌های موجود از سیره الهادی این مطلب حذف شده‌است. مطالب مربوط به کناره‌گیری المرتضی و خطبه او در هنگام اعلام کناره‌گیری، مطالبی است که آملی آنها را به نقل از سیره‌الناصر که عبدالله بن عمر همدانی نگاشته، نقل کرده‌است.^{۱۸}

۱۶. ابن ابی الرجال، ج ۴، ص ۴۵۳-۴۵۲.

۱۷. محلی، ج ۲، ص ۲۱۸-۲۰۵.

۱۸. علی بن بلال آملی، *تمه المصابیح*، تحقیق عبدالله بن عبدالله بن احمد الحوثی (صنعا: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۳ق)، ص ۵۹۷-۵۹۲. برای بررسی مورد دیگر از اهمیت میراث زیدیه ایران در مجادلات کلامی میان امامیه و زیدیه، نک: محمد کاظم رحمتی، «یک ارجاع کهن به ابن قبه و مطلبی درباره او»، *متون و پژوهش‌های تاریخی (مقالاتی درباره تاریخ اسلام و تشیع)* (تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰)، ص ۳۳۲-۳۲۹.

مطلب مذکور مورد تأیید مُسَلِّمَ لَحْجی نیز قرار گرفته است.^{۱۹} مسائلی از این دست برای مطالعه تاریخ زیدیه و تحولات درونی آن بسیار مهم است و دلیلی روشن برای تأمل در میراث زیدیه ایران است.

برادران هارونی و جایگاه آنها در تثبیت سنت زیدیه در دیلم

ابوالحسین احمد بن حسین هارونی (متوفی ۴۱۱) و ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (متوفی ۴۲۴) در میان چهره‌های مهم علویان طبرستان و دیلمان که نسلی از شاگردان زیدی تربیت کرده‌اند، بی‌گمان شخصیت‌های ممتازی هستند. این دو با تربیت شاگردان متعددی که هر کدام با نگارش آثاری مختلف در فقه زیدیه، اهمیت فراوانی یافته‌اند، نقش مهمی ایفا کردند. ابوالحسین هارونی که خود فقیه، متکلم و عالم نامور بود، آثار فراوانی در کلام و فقه نگاشته است که از جمله کتابهای متداول در سنت زیدیه است. مهمترین کتاب‌های فقهی او کتاب *التجريد* و شرحی بر آن، کتاب *البلغه فی فقه الامام یحیی بن الحسین الهادی* و کتاب کمتر شناخته شده‌ای به نام کتاب *الحاصر لفقهِ الناصر* در فقه ناصر اطروش است.^{۲۰} در دانش کلام نیز وی کتاب‌هایی چون *النّبوات* و اثر کلامی مختصری به نام *التبصره* نگاشته است.^{۲۱} کتاب *النّبوات*، اثری مختصر در باب تنزیه انبیاء و دلائل نبوت‌نگاری است که پیشینهٔ کهنی در سنت اسلامی دارد؛ هر چند رویکرد هارونی در این کتاب کلامی است و این بر اهمیت کتاب او می‌افزاید. این کتاب در چهار باب، همراه با مقدمه‌ای

۱۹. مُسَلِّمَ لَحْجی در تاریخ خود که هنوز متن کامل آن منتشر نشده است، در اشاره به مسئلهٔ جانشینی و وصیت الهادی الی الحق در مورد المرتضیٰ لدین‌الله نوشته است: «...عن العباس الخیوانی، رجل من شیوخ الزیدیه و ذوی الفضل منهم، قد أدرك الصدر الأول من المشائخ الصالحین نحو علی بن محفوظ، شیخ الزیدیه فی عصره بالبون... عن مشائخه، عن من أدرك الهادی... أن رجلاً من شیعتہ کان له مجل، یقال له أحور (?)، سألہ ذات یوم عن الخلیفه بعده و القائم بالأمر بعد وفاته، فأبطأ علیه فی الجواب، ثم أعاد السؤال، فقال: یا وحی محمد، یعنی ابنه، قال: ثم من؟ قال: یا وحی أحمد، ابنه الناصر، قال ثمن من؟ قال: حسبک إن عمرت عمر ثلاثه أئمة، فی کلام من نحو هذا؛» علی محمد زید، *معتزله الیمن: دولة الهادی و فکرة (بیروت - صناعا: دار العوده - مرکز الدراسات و البحوث الیمنی، ۱۹۸۱)*، ص ۱۰۸-۱۰۷. علی محمد زید (ص ۱۰۸) در این خبر تردید کرده است اما گزارش آملی خبر اخیر را تأیید می‌کند. حذف خبر مذکور از سیره الهادی به دلیل تعارض آن با نظریه امامت زیدیه امری طبیعی است. برای آگاهی درباره تاریخ مسلم لَحْجی، نک: مسلم بن محمد بن جعفر اللَحْجی، *سیره الامام احمد بن یحیی الناصر لدین‌الله*، تحقیق ویلفرد مادیلونف (لندن: ایثاکا پرس آکسیتر مع المعهد الشرقي بالجامعة اکسفرد، ۱۹۹۰)؛ حسن انصاری قمی، «تاریخ مسلم لَحْجی»، *معارف*، دوره پانزدهم، شماره ۳ (آذر - اسفند، ۱۳۷۷)، ص ۱۵۲ - ۱۳۲.

۲۰. محلی، ج ۲، ص ۵۸، ۱۳۰-۱۲۸. گزارشی از تنها نسخهٔ شناخته شده از کتاب *الحاصر* را انصاری ارائه کرده است: حسن انصاری قمی، «کتابی تازه یاب از ابوالحسین هارونی»، *کتاب ماه دین*، شماره ۹۶-۹۵ (شهریور - مهر ۱۳۸۴)، ص ۷۱ - ۷۰.

۲۱. درباره کتاب *النّبوات* و شرحی کهن به نام *الرساله العسجدیه*، نک: محمد کاظم رحمتی، «نکاتی درباره رساله ای کهن در باب اعجاز قرآن از عالمی زیدی»، *آیینته پژوهش (بهمن - اسفند ۱۳۸۴)*، شماره پیاپی ۹۶، ص ۱۹-۱۶.

درباره سبب بعثت پیامبر است و هارونی در باب اول با عنوان *البیان عن اعجاز القرآن* به تفصیل از فصاحت قرآن از نظر بلاغی و مسئله تحدی قرآن سخن گفته است. باب دوم به بیان احادیث نقل شده درباره دلائل النبوه اختصاص یافته است. باب سوم یکی از فصول بسیار جالب کتاب است که در آن هارونی با بیان عبارت هایی از عهد عتیق و اناجیل به اثبات نبوت پیامبر پرداخته است و با توجه به قدمت کتاب، اهمیت فراوانی دارد. هارونی در آخرین فصل کتاب، به بیان مؤیدات دیگری درباره نبوت پیامبر اسلام پرداخته است.

ابوالحسین رساله ای در مسئله امامت در رد بر کتاب ابن قبه عالم امامی نگاشته که تنها بندهایی از آن در بخش الزیادات کتاب *الافاده هوسمی* باقی مانده است. همچنین وی رساله ای کوتاه در تبیین دیدگاه زیدیه نسبت به صحابه نگاشته که تنها عنوان آن یعنی *رساله جواب قابوس فی الطعن علی الصحابه* دانسته است. *امالی* مختصری نیز از هارونی در دست است. این کتاب همانند بسیاری از آثار زیدیان ایرانی که اینک در یمن موجود است، به روایت قاضی جعفر است. قاضی جعفر کتاب را به روایت استاد خود قاضی احمد بن حسن (ابی الحسن؟) بن احمد کنی (کن از توابع تهران)، از ابوعلی حسن بن علی بن ابی طالب فرزادی و ابورشید بن عبدالحمید بن قاسوراء رازی و عبدالوهاب بن ابی العلاء سَمَّان نقل کرده است. کنی کتاب را نزد آنها در ربیع الاول سال ۵۴۳ قمری در مدرسه شجاع الدین (به احتمال از مدارس زیدی ری) از علی بن حسین بن محمد بن حسین بن احمد بن حسین بن مردک که در جامع عتیق ری در سال ۴۹۶ قمری از پدرش به طریق وی از المؤید بالله روایت کرده است. *امالی* هارونی مشتمل بر بیست و شش حدیث است که با حکایتی از مرآوده علمی میان صاحب بن عبّاد (متوفی ۳۸۵ق) و ابواحمد عسکری (متوفی ۳۸۲ق) پایان یافته است. در این *امالی*، هارونی از برخی محدثان غیر زیدی، چون ابونصر منصور بن محمد رویانی نقل حدیث کرده است. ابن اسفندیار نیز اشاره به ابوالحسین هارونی و آثار متداول او که در میان زیدیان زمانش رواج داشته، آورده است.^{۲۲} ابن اسفندیار از آثار فقهی ابوالحسین هارونی به کتاب *الافاده* اشاره کرده که اثر مذکور به واقع تدوین یکی از شاگردان ابوالحسین به نام ابوالقاسم حسین بن حسن بن تال

۲۲. بهاء الدین محمد بن حسن بن اسفندیار، *تاریخ طبرستان*، تصحیح عباس اقبال (تهران: کتابخانه کلاله خاور، ۱۳۲۰)، ج ۱، ص ۹۸. ابن اسفندیار (ص ۹۸-۱۰۰) خود نمونه هایی از اشعار ابوالحسین هارونی را نقل کرده و به شعر او در رد بر ابن سکره هاشمی که شعری بر ضد علویان سروده بود، اشاره کرده و متن آن را آورده است. المرشد بالله (یحیی بن الحسین الجرجانی الشجری، سیره الامام المؤید بالله احمد بن الحسین الهارونی، تحقیق صالح عبدالله قربان (صنعا: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه؛ ۱۴۲۴ق)، ص ۶۵؛ شعری از ابوالحسین را نقل کرده است. المرشد بالله (ص ۴۳) همچنین اشاره کرده که وی در کتاب *الاستبصار فی اخبار العتره الاطهار*، رسائل و قصائد هارونی را آورده است.

هوسمی با عنوان *الإفاده فی الفقه بر اساس آراء فقهی هارونی گردآوری کرده که در چندین نسخه خطی موجود است. هوسمی خود شاگردانی داشته که از جمله آنها می‌توان یوسف بن حسن گیلانی کلاری را نام برد، وی خطیب المؤید بالله نیز بوده هر چند همانگونه که عالم نامور زیدی ایرانی احمد بن ابی الحسن کنی از قول او نقل کرده، کلاری جز اندکی از فقه نزد المؤید بالله نخوانده و استاد اصلی او در فقه زیدیه، ابوالقاسم بن تال (ابوالقاسم حسین بن علی بن حسن) هوسمی بوده است. کلاری همچنین نزد ابوطالب هارونی نیز تلمذ کرده است. نام کلاری در سلسله روایت کتاب‌های *المنتخب و الاحکام الیهادی الی الحق* در متون زیدیه ذکر شده است.^{۲۳}*

ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (متوفی حدود ۴۲۴) تبحر بیشتری در دانش فقه داشته و دست کم این تبحر او در تألیف آثار فقهی مفصل و عمیق‌تر از یک سو و تربیت شاگردان فراوان از سوی دیگر قابل مشاهده است که نقش مهمی در تدوین متون فقهی زیدیه داشته‌اند. ابوطالب یحیی بن حسین هارونی بطحانی در ۳۴۰ق به دنیا آمد و همانند برادرش نخست نزد پدرش تحصیل کرد. بعدها او به همراه برادرش نزد ابوالعباس حسنی که باعث تغییر عقیده آنها از امامیه به زیدیه شده بود، به تحصیل علم پرداخت. هارونی همچنین نزد ابوعبدالله بصری از مشایخ نامدار معتزله بغداد کلام آموخت. بعد از وفات برادرش، المؤید بالله احمد بن حسین هارونی در ۴۱۱ قمری با ابوطالب هارونی به عنوان امام بیعت شد، هر چند مادلونگ معتقد است که امامت او در میان زیدیان یمنی در بعد مورد پذیرش قرار گرفته است. ابوالفرج حسین بن محمد بن هندو در اشاره به مقام و منزلت هارونی در روزی که با او بیعت شد، اشعاری سروده که حاکم چشمی متن آن را نقل کرده است.^{۲۴} هارونی آثار مهمی در کلام و فقه زیدیه تألیف کرده و با تربیت شاگردان متعددی که خود آثار فقهی و کلامی مهمی تألیف کرده‌اند، تأثیر جدی در سنت کلامی و فقهی زیدیه نهاده است.^{۲۵}

ابوطالب هارونی تألیفات متعددی تألیف کرده که در سنت زیدیه اعتبار فراوانی دارند. از جمله آثار مهم کلامی او می‌توان این آثار را نام برد: *الدعامة فی تثبیت الامامة، مبادئ الادلّة فی الکلام، شرح البالغ المدرك* (شرحی بر کتاب *البالغ المدرك الیهادی الی الحق*) و *زیادات شرح الاصول*،

۲۳. ابراهیم بن قاسم بن الامام المؤید بالله الشهاری (متوفی ۱۱۵۲ق)، *طبقات الزیدیه الكبرى (التسم الثالث) و یسمى بلوغ المراد الی معرفة الاسناد، تحقیق عبدالسلام بن عباس وجیه (صنعا: مؤسسة الامام زید بن علی الثقافیة، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱)*، ج ۳، ص ۱۲۷۴-۱۲۷۳.

۲۴. ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه الحشمی البیهقی، *الطبقتان الحادیة عشرة و الثانية عشرة من کتاب شرح العیون، فضل الاعتزال و طبقات المعتزله، تحقیق فؤاد سید (تونس: الدار التونسية للنشر، ۱۳۹۳ق/۱۹۷۴)*، ص ۳۷۷.

۲۵. محمد کاظم رحمتی، «ابوطالب هارونی و کتاب الدعامة فی تثبیت الامامة»، کتاب ماه دین، شماره ۶۲ (آذر ۱۳۸۱)، ص

شرحی بر کتاب الاصول ابوعلی بن خالد، عالم معتزلی قرن چهارم^{۲۶} و کتاب المصعبی که رساله‌ای مختصر در باب فرق اسلامی و شاید دیگر گروه‌های غیر اسلامی که ملل و نحل نویسان مسلمان از آنها سخن گفته‌اند. اطلاعات چندانی در باب کتاب المصعبی در دست نیست. دیلمی در اشاره‌ای کوتاه به وزیری که قائل به عدل بوده‌اند از حسن مصعبی وزیر فلک المعالی یاد کرده و گفته که هارونی کتاب المصعبی را در باب فرقه‌های گمراه شده به خواهش او تألیف کرده‌است.^{۲۷} بر اساس توصیف دیلمی که کتاب المصعبی را اثری مشهور در اوساط زیدیه ذکر کرده، شاید بتوان گفت که هنوز نسخه‌هایی از آن در زمان وی موجود بوده‌است.^{۲۸} هارونی در فقه زیدیه، کتاب‌های مهمی نوشته همچون *التحریر فی الکشف عن نصوص الائمه النحاریر* که در آن مسائل فقهی را بر اساس فقه قاسم بن ابراهیم، الهادی الی الحق و دو فرزند او ناصر و مرتضی تدوین کرده‌است. نیز شرح‌نویسی بر آن با عنوان *شرح‌التحریر* در میان زیدیان ایران و یمن متداول بوده و نسخه‌های خطی کهنی از آن نیز در کتابخانه جامع کبیر صنعا موجود است که دلیل بر تداول کتاب *التحریر* به عنوان یکی از منابع فقهی مورد رجوع زیدیان یمن است.^{۲۹} همچنین هارونی در کتاب *الناظم* به تدوین آراء و نظرات فقهی ناصر اطروش پرداخته‌است.^{۳۰} در اصول فقه کتاب *المجزی فی اصول الفقه و جوامع الادله* را نگاشته که در میان زیدیه آثاری متداول بوده‌است. هارونی در حدود ۴۲۴

۲۶. درباره اهمیت کتاب الاصول در سنت زیدیه و شرح مختلفی که بر آن نوشته شده است، نک:

Hassan Ansari And Sabine Schmidtke, "The Zaydi Reception Of Ibn Khallad's *Kitab AL-Usul* The *Ta'liq* Of Abu Tahir B. 'Ali AL-Naffar," *Journal Asiatique*, No 298 (2010): 275-302.

کتاب *زیادات الشرح* ابوطالب هارونی با این مشخصات منتشر شده است:

Basran Mu'tazilite Theology: AbU 'Ali Muhammad b. Khalldd's Kitiib al-usul and its reception. A Critical Edition of the Ziyidiit Sharh. al-usid by the Zaydi Imam al-Ndtiq bi-l-haqq AbU Tiilib Yalyib b. al-Husayn b. Hartin al-Butjiinf (d. 424/1033), eds. Camilla Adang, Wilferd Madelung, Sabine Schmidtke, (Leiden, 2011).

۲۷. «... و الحسن المصعبی کان وزیر فلک المعالی و سأل السید اباطالب الهارونی علیه السلام أن یصنّف له کتاباً فی الفرق الضالّة، فصنّف المصعبی، نسب إليه و هو کتاب مشهور فی علوم آل محمد صلی الله علیه...» محمد بن حسن دیلمی، *قواعد عقائد آل محمد*، برگ ۱۳۶ ب.

۲۸. برای شرح حال مصعبی و گزارشی کوتاه از محتوی و علت نگارش کتاب المصعبی، نک: ابن ابی الرجال، ج ۲، ص ۱۴۴-

۱۴۵؛ حسن انصاری قمی، «مقالات نشوان حمیری و کتاب المصعبی ابوطالب هارونی»، در پایگاه:

<http://ansari.kateban.com/entry1149.html>. (accessed jan 1, 2011)

۲۹. محلی، ج ۲، ص ۱۶۶. متن کتاب *التحریر* را محمد یحیی سالم عزان (صعده: مکتبه مرکز بدر علمی و الثقافی، ۱۴۱۸ق/۱۹۹۸)

در دو مجلد منتشر کرده است.

۳۰. محلی، ج ۲، ص ۵۸.

قمری و در سن ۸۴ سالگی درگذشت و در آمل به خاک سپرده شد.^{۳۱} گزارش دیگری که درباره هارونی در دست است، شرح حال کوتاهی است که عالم ایرانی زیدی و مهاجر به یمن، محمد بن احمد بن حسن دیلمی در کتاب *قواعد عقائد آل محمد* آورده و در آن اشاره‌ای نیز درباره وفات و محل دفن هارونی بیان کرده و گفته که جنازه وی را فرزندش در آمل به خاک سپرده است.^{۳۲} اشاره دقیق درباره مکان دفن هارونی، در حاشیه مشیخه‌ای زیدی با عنوان «فصل فی تفاصیل العلماء من السادات و الفقهاء» آمده است. در حاشیه این نسخه گفته شده که ابوطالب هارونی در کنار قبر ناصر اطروش که خانه قاسم بن علی بوده، به خاک سپرده شده است.^{۳۳}

ابوطالب هارونی خود علاوه بر نگارش آثار مهمی در فقه زیدیه، با تربیت شاگردان فراوانی که هر کدام آثار مختلفی تألیف کرده‌اند، تأثیر بارزتری نسبت به برادر خود در تکوین فقه زیدیه داشته است. بعدها شاگردان هارونی خود با تربیت شاگردانی در تداوم سنت فقهی برادران هارونی نقش مهمی ایفا کرده‌اند که از جمله آنها می‌توان علی بن محمد خلیل و ابوالقاسم زید بن علی هوسمی (زنده در ۴۵۵) را نام برد که هر دو نزد قاضی ابویوسف قزوینی، فقه زیدیه را فراگرفته‌اند.^{۳۴} اطلاعات بیشتری درباره هوسمی در منابع زیدی آمده و گفته شده که او شرح التجرید المؤید بالله را نزد قاضی یوسف خوانده و از او اجازه‌ای دریافت کرده است.^{۳۵} در میان عالمان زیدی متأخر، قاضی زید بن محمد کلاری از شاگردان علی بن محمد بن خلیل گیلانی را باید نام برد که شرحی بر کتاب *التحریر ابوطالب هارونی با نام الجامع فی الشرح مشهور* به شرح قاضی زید نگاشته و در چندین نسخه خطی باقی مانده است^{۳۶} و از بهترین و مفصلترین شروح بر کتاب *التحریر ابوطالب هارونی* است.^{۳۷} علی بن خلیل گیلانی نیز خود اثری به نام *المجموع* در شرح فقه المؤید بالله نگاشته

۳۱. ابن اسفندیار، ج ۱، ص ۱۰۲. ابوطالب هارونی اثری در تراجم ائمه زیدیه به نام *الافاده فی تاریخ الائمة السادة و امالی* نگاشته که به چاپ نیز رسیده است. یحیی بن حسین الهارونی، *الافاده فی تاریخ الائمة السادة*، تحقیق محمد کاظم رحمتی (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۷۸)؛ *تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب*، رتبه علی ابواب قاضی جعفر بن احمد بن عبدالسلام، تحقیق عبدالله بن حمود العزی (صنعا: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافی، ۱۴۲۲ق).
۳۲. دیلمی، برگ ۲۷۹ الف.

۳۳. محمد تقی دانش پژوه، «دو مشیخه زیدی»، *نامه مینوی: مجموعه سی و هشت گفتار در ادب و فرهنگ ایرانی به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات مجتبی مینوی*، زیر نظر حبیب یغمائی و ایرج افشار و محمد روشن (تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، ۱۳۵۰ش)، ص ۱۸۵.

۳۴. شهری، ج ۲، ص ۶۱۶.

۳۵. بخشی از اجازه او را شهری، آورده است: نک، شهری، ج ۲، ص ۴۵۲-۴۵۱.

۳۶. شهری، ج ۲، ص ۷۹۴-۷۹۳.

۳۷. شهری، ج ۱، ص ۴۵۵-۴۵۳.

که در چندین نسخه خطی باقی است.^{۳۸} همچنین از قاضی ابومضر شریح بن مؤید نیز باید یاد کرد که شرحی بر کتاب *التحریر نگاشته* که نسخه‌هایی از آن در کتابخانه جامع کبیر صنعا و دیگر کتابخانه‌های یمنی باقی مانده است.^{۳۹}

عالمان زیدی ری و اهمیت آنها

شهر ری به عنوان «سکه‌الدنیا» و «امهات‌البلاد» یکی از مهمترین مراکز علمی نواحی جبال در قرون اولیه اسلامی بوده است. مهاجرت عالمان و سادات زیدی از همان قرن دوم به این شهر، باعث شد تا جماعت‌های زیدی چندی در این شهر سکونت یابند، هر چند اطلاعات موجود بیشتر نشان دهنده اقامت زیدیان در روستاهای اطراف شهر ری است. در برهه‌های کوتاهی نیز ری تحت حاکمیت سیاسی علویان طبرستان قرار گرفته بود، اما آنچه که باعث اقامت زیدیان در آنجا شد، سیطره یافتن معتزله در شهر ری بود که دوران طولانی حکومت آل بویه و حکومت آنها بر عراق عجم به تشبیت وضعیت شکل گرفته، کمک فراوانی کرد. جریان مذکور در زمان صدارت صاحب بن عباد (متوفی ۳۸۵) با فراخواندن قاضی عبدالجبار همدانی به ری و اعطای منصب قاضی القضاتی به او به اوج خود رسید.^{۴۰} با آمدن قاضی عبدالجبار به ری در سال ۳۶۰ قمری و اقامت او در آن شهر

۳۸. برای آگاهی درباره توصیفی کوتاه از این نسخه‌ها، نک: عبدالسلام بن عباس الوجیه، *مصادر التراث فی المكتبات الخاصة فی الیمن* (عمان: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۲ق/۲۰۰۲)، ج ۱، ص ۵۰۲؛ احمد عبدالرزاق الرقیحی، عبدالله محمد الحبشی و علی وهاب الانسی، *فهرست مخطوطات مکتبه الجامع الکبیر صنعا، صنعا: وزارت الاوقاف و الارشاد، ۱۴۰۴ق/۱۹۸۴*، ج ۳، ص ۱۱۶۳-۱۱۶۲. از دیگر تعلیقات نگاشته شده عالمان زیدی ایرانی بر کتاب *التحریر ابوطالب هارونی* می‌توان به کتاب *تعلیق کتاب التحریر* از محمد بن احمد بن ابی فوارس اشاره کرد که نسخه‌ای کهن از آن در کتابخانه محمد بن عبدالعظیم الهادی باقی مانده است: وجیه، ج ۱، ص ۴۹۶.

۳۹. رقیحی و دیگران، ج ۳، ص ۱۰۸۳-۱۰۸۲.

۴۰. درباره تداوم حضور معتزله در ری تا قرن ششم و نقش زیدیان در حفظ میراث معتزله، اطلاعات خوبی بر اساس نسخه‌ای از کتاب *المسائل الخلاف فی الاصول ابورشید نیشابوری* در دست است. همچنین قیر قاضی عبدالجبار در شهر ری تا قرن ششم موجود بوده است. درباره کتاب *المسائل الخلاف* که بر اساس نسخه‌ای انتقال یافته از جامعه زیدیان ری به یمن در دست است، نک:

Hassan Ansari and Sabine Schmidtke, "Mu'Ytazilism After Y'Abd Al-Jabbar: Abu Rashid Al-Nisaburi's *Kitab Mas'Alil Al-Khilaf Fi L-Usul* (Studies on the Travsmission of Knowledge From Iran to Yeman in The 6th/12th And 7th/13th C., I)," *Studia Iranica* No 39, 2010, pp.225-275.

همچنین درباره میراث معتزله متأخر که به سبب انتقال به یمن باقی مانده، نک: محمد کاظم رحمتی، «نکاتی درباره معتزله متأخر: رکن الدین محمود ملاحمی و اهمیت وی در تکوین اعتزال»، *فرقه‌های اسلامی در ایران سده‌های میانه* (تهران: بصیرت، ۱۳۷۸ش)، ص ۳۵-۱۳.

تا هنگام وفات (۴۱۵ ق)،^{۴۱} عالمان زیدی از مناطق جبال و دیگر مناطق به ری مهاجرت کرده و در محضر درس او حاضر شدند.^{۴۲}

در قرن سوم عالم و متکلم نامور زیدی ابوزید عیسی بن محمد بن احمد علوی (متوفی ۳۲۶) در شهر ری سکونت داشت و کتاب مشهور *الاشهاد* را در نقد عقاید امامیه نگاشت که عالم نامور امامی ابن قبه رازی (متوفی پیش از ۳۱۶ ق) که در همان شهر سکونت داشت، با نگارش کتاب *نقض الأشهاد*، انتقادات وی به اندیشه‌های امامیه در باب امامت را پاسخ گفت.^{۴۳} از میان عالمان مشهور زیدی ساکن در ری که اطلاعات بیشتری درباره آنها موجود است، الموفق بالله شجری و فرزندش المرشد بالله است. الموفق بالله حسین بن اسماعیل شجری یکی از مشهورترین عالمان زیدی ایرانی منطقه جبال است که عمده آگاهی در باره او محدود به آثاری است که از وی باقی مانده است. نسب وی به جعفر بن عبدالرحمن شجری بن قاسم بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب می رسد که به دلیل اقامت در روستای شجره نزدیک مدینه به این نام شهرت یافته‌اند. درباره تاریخ تولد او اشاره صریحی در منابع نیامده تنها بر اساس اشاره‌ای از سوی ابوالقاسم علی بن محفوظ بستی (متوفی ۴۲۰) به شجری، می‌توان تاریخ تولد او را نیمه نخست قرن چهارم دانست.^{۴۴} ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر بن طباطبا ضمن سخن گفتن از سکونت شجری در جرجان اشاره کرده که او بعدها در ری سکونت گزیده است.^{۴۵} با وجودی که اشاره به تاریخ این مهاجرت در منابع نشده است، به احتمال این مهاجرت همزمان با رفتن قاضی عبدالجبار همدانی (متوفی ۴۱۵ ق) به ری بعد از ۳۶۰ قمری باشد و به احتمال قوی بعد از انتصاب قاضی عبدالجبار به مقام قاضی

۴۱. حاکم جشمی، ص ۳۶۶. برای آگاهی درباره شرح حال قاضی عبدالجبار، نک: عبدالکریم عثمان، *قاضی القضاة عبدالجبار* (بیروت ۱۹۶۷):

Gabriel Said Reynolds, "The Rise and Fall of Qadi 'Abd al-Jabbar," *International Journal of Middle East Studies* 37 (2005), pp. 3-18; idem, *A Muslim Theologian in the Sectarian Milieu. 'Abd al-Jabbar and the Critique of Christian Origins* (Leiden: Brill, 2004), pp.44-57.

۴۲. فهرست کاملی از این عالمان را حاکم جشمی در شرح *عیون المسائل* آورده است. از جمله مشهورترین این عالمان می‌توان به ابوالفضل عباس بن شروین اشاره کرد که اهل شیرانا (?) بوده است. ابن ابی الرجال، ج ۴، ص ۲۸-۲۹. ابوالفضل عباس بن شروین کتابی به نام *المدخل إلى مذهب الیهادی علیه السلام* داشته است. برای نسخه‌ای تازه شناسایی شده از کتاب اخیر، نک: J.Thiele, p.540, no.19.

۴۳. برای شرح حال عالمان و سادات عموماً زیدی که در ری اقامت داشته‌اند، نک: ابراهیم بن ناصر ابن طباطبا، *منتقله الطالبيه*، حقه و قدم له السيد محمد مهدی السيد حسن الخراسان (التجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۸/۱۹۶۸)، ص ۱۶۷-۱۵۱.

۴۴. اسماعیل بن احمد البستی، *کتاب المراتب*، تحقیق محمد رضا انصاری قمی (قم: دلیل ما، ۱۴۲۱)، ص ۱۶۶-۱۶۷. مؤید این گمان، نقل روایت توسط شجری از اسماعیل بن عباس بن مهران وراق (متوفی ۳۳۳) است.

۴۵. ابن طباطبا، ص ۱۵۶.

القضاتی شهر ری باشد که شجری همانند جمع کثیری از زیدیان معاصر خود در نواحی جبال از جمله شاگردان مجالس درس قاضی عبدالجبار در شهر ری بود. شجری احتمالاً سفری به بغداد نیز داشته چرا که یکی از مشایخ مهم حدیثی او، عالم شافعی ابوالحسن علی بن احمد بن حسن بن محمد نعیمی (متوفی ۴۲۳) به عنوان فردی ساکن در بغداد یاد شده است. ابوالقاسم بستی به تبحر شجری در فقه شافعی و حنفی اشاره کرده اما از اینکه وی نزد چه کسانی به فراگیری فقه شافعی و حنفی پرداخته، سخنی نگفته است.^{۴۶} در منابع زیدی از شجری در زمره شاگردان برجسته ابوالحسن احمد بن حسین هارونی (متوفی ۴۱۱) یاد شده است. از دیگر مشایخ شجری می توان ابوالحسن حسن بن علی بن محمد بن جعفر وبری که شجری از طریق او از ابوبکر بن جعابی نقل حدیث کرده، پدرش ابوحرب اسماعیل بن زید حسنی، ابومحمد حسن بن حسن بن زید، عالم و امام زیدی الناطق بالحق یحیی بن حسین هارونی (متوفی ۴۲۴ق) را نام برد. از شاگردان او جز نام فرزندش المرشد بالله یحیی بن حسین شجری و حسن بن علی بن اسحاق فرزادی^{۴۷} راوی کتاب الاعتبار و سلوه العارفین نام افراد دیگری دانسته نیست.

درباره تاریخ درگذشت شجری نیز اطلاعاتی در منابع نیامده و تنها بر اساس تاریخ تولد فرزندش المرشد بالله در سال ۴۱۲ قمری و تصریح وی در سماع از پدرش، می توان دریافت که به احتمال تاریخ وفات الموفق بالله حدود ۴۳۰ قمری باشد. از آثار شجری، نام سه اثر او به نام های الاحاطه فی علم الکلام، رساله ای مختصر به نام رساله فی ان اجماع اهل البیت حجه و کتاب الاعتبار و سلوه العارفین شناخته شده است. حمید بن احمد محلی (متوفی ۶۵۲ق) در اشاره به تألیفات شجری تنها از تألیفاتی نیکو در علم کلام و موضوعات دیگر سخن گفته است.^{۴۸} اثر ارزشمند و مهم کتاب شجری، کتابی است به نام الاعتبار و سلوه العارفین. وی در مقدمه ای کوتاه بر کتاب خود، علت تالیف کتاب خود را املاء اثری مختصر در مواعظ و سخنان روایت شده از حضرت علی (ع) و اهل بیت یاد کرده است. شجری در تألیف کتاب الاعتبار از منابع متعددی بهره برده است. مهمترین اثری

۴۶. بستی، ص ۱۶۷.

۴۷. فرزادی منسوب به فرزند (فرزند) از روستاهای اطراف ری بوده که امروزه جزو محلات شمالی تهران است. درباره اقامت

دیگر سادات در فرزند، نک: ابن طباطبا، ص ۲۳۵-۲۳۶. درباره اهمیت خاندان فرزادی بنگرید به:

Hassan Ansari And Sabine Schmidtke, "The Zaydi Reception Of Ibn Khallad's *Kitab AL-Usul* The *Ta'liq* Of Abu Tahir B. 'Ali AL-Naffar," *Journal Asiatique*, No 298 (2010): 275-302, p.276, no.3.

۴۸. محلی، ج ۲، ص ۱۲۹-۱۳۰. از کتاب الاحاطه نسخه هایی باقی مانده است. نک: وجیه، ج ۱، ص ۴۷۲؛

P. Voorhove, *Handlist of Arabic Manuscripts in the Library of the University of Leiden and other Collections in the Netherland* (Leiden University Press, The Hague/ Boston/ London 1980), p.395.

از رساله فی ان اجماع اهل بیت حجه تنها یک نسخه شناخته شده است. وجیه، ج ۲، ص ۵۲۴.

که شجری از آن نقل کرده، کتاب *الزواج و المواعظ* تالیف ابواحمد حسن بن عبدالله بن سعید عسکری (متوفی ۳۸۲ق) است که شجری این کتاب را به روایت ابوالحسن علی بن احمد بن حسن نعیمی (متوفی ۴۲۳ق) در روایت خود داشته‌است. همچنین شجری مطالبی از حضرت علی (ع) را از کتاب کمتر شناخته شده *نزهة الابصار و محاسن الآثار* ابوالحسن علی بن محمد بن مهدی طبری مامطیری نقل کرده‌است. شجری مطالب خود از این کتاب را به روایت ابوجعفر محمد بن قاسم حسنی نسابه و ابومحمد عبدالله بن محمد رویانی به روایت از طبری نقل کرده‌است.^{۴۹}

فرزند موفق بالله، یعنی المرشد بالله یحیی بن حسین شجری، عالم، محدث و نسابه زیدی، دیگر شخصیت برجسته زیدی ساکن در شهر ری است. درباره محل تولد وی در منابع اشاره‌ای نیامده، و تنها از سال تولد وی در ۴۱۲ قمری سخن رفته‌است. شجری نخست نزد پدرش موفق بالله حسین بن اسماعیل شجری که خود از عالمان به نام زیدیه بود، به تحصیل علم پرداخت. سپس به شهرهای دیگر مهم جهان اسلام برای درک مشایخ و سماع از آنها سفر کرد. از حوادث زندگی شجری اشاره چندان در منابع نیامده جز آنکه وی در شهر ری سکونت داشته و از او به عنوان مفتی، عالم و بزرگ زیدیه سخن رفته شده‌است. شجری در حدود ۴۴۶ قمری قیام کرد، اما ظاهراً نتوانسته امارت خود را حفظ کند. وی در پانزدهم ربیع الثانی ۴۷۷ درگذشت.^{۵۰} از شاگردان او می‌توان به ابوالحسن علی بن حسین بن محمد سیاه سرجان مؤلف کتاب *المحیط بالامامه*، اسماعیل بن علی فرزادی و ابوالعباس احمد بن حسن بن قاسم بن بابا آذونی اشاره کرد که در ری ساکن بوده‌اند.^{۵۱} شاگردان المرشد بالله در پویایی جامعه زیدیه ری نقش مهمی داشته‌اند و قاضی جعفر مسوری در سفر خود به ایران با برخی شاگردان این افراد دیدار داشته‌است.^{۵۲} همچنین برخی از شاگردان المؤید بالله، چون سلیمان بن جاوک نامش به عنوان راوی امالی المؤید بالله آمده که بعدها یکی از عالمان زیدی ری به نام علی بن حسین بن مردک در جامع عتیق ری در ذی‌القعدة ۴۹۶، امالی المؤید بالله

۴۹. درباره اهمیت کتاب *الاعتبار* شجری خاصه برای پژوهش در تاریخ تصوف خراسان بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «بازمانده هایی از کتاب *الزواج و المواعظ*»، مقالاتی در تاریخ زیدیه و امامیه (تهران، انتشارات بصیرت، ۱۳۸۷ش)، ص ۴۱-۵۱. کتاب *الاعتبار* با این مشخصات منتشر شده است: موفق بالله الحسین بن اسماعیل الجرجانی، *الاعتبار و سلوة العارفين*، تحقیق عبدالسلام بن عباس الوجیه (صنعا: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۱ق/۲۰۰۱).

۵۰. اسماعیل بن الحسین بن محمد بن الحسین بن احمد المروری الازرقانی (۵۷۲- بعد ۶۱۴)، *الفخری فی انساب الطالبین*، تحقیق السید مهدی الرجایی (قم: مکتبه آیه الله المرعشی العامه، ۱۴۰۹)، ص ۱۵۰. نوشته ازورقانی، ظاهراً کهنترین اشاره به او باشد. ازورقانی همچنین از شاعر بودن شجری سخن گفته است.

۵۱. المنصور بالله عبدالله بن حمزه، کتاب *الشافی* (صنعا: منشورات مکتبه الیمن الکبری، ۱۹۸۶/۱۴۰۶)، ج ۱، ص ۵۹.

۵۲. شهری، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۵، ۵۸۰.

را برای حسن بن علی بن ابی طالب فرزادی مشهور به خاموش روایت کرده‌است. فرزادی در ۵۱۵ قمری حیات داشته و قاضی احمد بن ابی الحسن کنی در این سال از او روایت کرده‌است.^{۵۳} از آثار شجری نام سه کتاب دانسته‌است. وی در تداوم سنت متداول میان زیدیان در سیره‌نگاری، کتابی در شرح حال امام زیدی ایرانی ابوالحسین احمد بن حسین هارونی (متوفی ۴۱۱) با نام *سیره الامام المومید بالله احمد بن الحسین الهارونی* تألیف کرده‌است.^{۵۴} دو اثر حدیثی نام‌های *امالی الاثنینیه* و *الخمسیه* نیز از شجری باقی مانده‌است. *امالی الاثنینیه فی فضائل آل البيت علیهم السلام* اثری در فضائل اهل بیت است. علت شهرت این امالی به این نام نیز به دلیل املاء حدیث در روزهای دوشنبه بوده‌است. *امالی الخمسیه* که در موضوع مکارم اخلاق است و مجموعه‌ای از احادیث املاء شده در روزهای پنج‌شنبه است. روایت این کتاب همانند بسیاری از آثار زیدیان ایرانی در میان زیدیان یمنی به روایت قاضی جعفر بن احمد بن عبدالسلام مسوری (متوفی ۵۷۳) است که وی در ری نزد احمد بن علی کنی آثار متعددی از زیدیان ایرانی را سماع کرده‌است.^{۵۵}

زیدیان خراسان

مراکز سنتی زیدیه ایران بیشتر شهرهای شمال ایران و ری و مناطق اطراف آن بود، اما به دلیل مهاجرت برخی سادات زیدی به شهرهای خراسان نیز شاهد حضور جماعت‌های زیدی در برخی شهرهای آن دیار هستیم.^{۵۶} مهم‌ترین شهر خراسان که شماری از عالمان زیدی در آنجا حضور داشته‌اند، شهر بیهق و برخی روستاهای اطراف آن چون چشم و بروقن است، و در این باره

۵۳. ابن ابی الرجال، ج ۲، ص ۷۸-۷۷؛ شهری، ج ۱، ص ۳۱۹-۳۱۷. در *مطلع البدر* لقب وی به هاموسه تصحیف شده است اما گفته شده که به معنی کسی است که زیاد سکوت می‌کند.

۵۴. درباره سنت سیره‌نگاری در میان زیدیه و اهمیت آن بنگرید به:

Ansari, H., and S. Schmidtke, "The religious literary tradition among yth/13th century Yemeni Zaydis. The formation of the Imam al-Mahdi li-Din Allah Ahmad b. al-Husayn (d. 656/1258)", *Journal of Islamic Manuscripts* 2(2011), pp.165-222.

۵۵. عبدالله بن حمزه، ج ۱، ص ۵۹. شجری اثری در علم نسب داشته که ابوالحسن علی بن زید بیهقی (متوفی ۵۶۵) *لیاب الانساب و الالقاب و الاعقاب*، تحقیق سید مهدی رجایی (قم ۱۴۱۰)، ج ۱، ص ۱۸۳. به آن اشاره کرده است. همچنین ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر بن طباطبای، شاگرد شجری در کتاب *منتقلة الطالبیه* از این اثر وی در تألیف کتاب خود سود جسته است. ابن طباطبای، ص ۷۴، ۷۶، ۱۱۴، ۱۳۸، ۱۵۵، ۲۴۲ و ۲۵۹. از اینکه اثری مکتوب از شجری در اختیار او بوده و از آن نقل قول می‌کند، تصریح کرده و در موادی متعدد دیگری تنها به ذکر مطلب به نقل از او اکتفا کرده است (برای نمونه، نک: همان، ص ۱۲، ۳۶ و ۷۱).
 ۵۶. برخی از عالمان خراسانی متأثر از زیدیه بوده‌اند، نمونه‌ای مهم از این عالمان، محدث حنفی، عبدالله بن عبدالله حسکانی است که آثار امامی و زیدیه را به طریق متصل به مؤلفان آنها در روایت خود داشته است. برای تفصیل شرح حال او و آثار بنگرید به: محمد کاظم رحمتی، «حاکم حسکانی و تفاسیر کهن امامیه»، کتاب ماه دین، شماره ۶۳-۶۴ (دی و بهمن ۱۳۸۱)، ص ۸۸-۸۵.

نیز آگاهی‌ها محدود به شرح حال چند عالم زیدی است که اهل این مناطق بوده‌اند؛ مهمترین شخصیتی زیدی ساکن در روستای چشم عالم، فقیه و متکلم مشهور زیدی ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه چشمی بیهقی مشهور به حاکم چشمی است. کهن‌ترین شرح حال حاکم چشمی را ظهیرالدین علی بن زید بیهقی (متوفی ۵۶۵) آورده است.^{۵۷} بیهقی در ادامه اشعاری در مدح حاکم چشمی نقل کرده است. وی که نسبش به محمد بن حنفیه می‌رسید در روستای چشم در ماه رمضان سال ۴۱۳ چشم به جهان گشود.^{۵۸} به احتمال پدر وی نیز از عالمان زیدی بود و چشمی سال‌های نخستین تحصیل خود را، در همان روستای چشم و نزد پدر یا برخی از خویشاوندان خود گذراند. شهرت نیشابور و مرکزیت علمی آن شهر که در آن روزگار مرکز علمی مهمی در جهان اسلام بود، باعث شد تا حاکم چشمی برای تحصیل به نیشابور سفر کند. در نیشابور وی جذب حلقه درس ابوحامد احمد بن محمد بن اسحاق نجاری نیشابوری (متوفی ۴۳۳) شد و نزد وی که از عالمان برجسته حنفی نیشابور و معتزلی و از شاگردان قاضی عبدالجبار بود، به فراگیری کلام و اصول فقه پرداخت.^{۵۹} همچنین نجاری از مهمترین شیوخ حدیثی حاکم چشمی است و بیشتر روایات حاکم چشمی از اوست.^{۶۰} بعد از درگذشت نجاری، حاکم در نیشابور نزد عالمان دیگری چون ابوالحسن علی بن عبدالله نیشابوری (متوفی ۴۵۷) تحصیلات خود را ادامه داد. ابوالحسن نیشابوری که از عالمان بیهقی بود در نزد ابوطالب یحیی بن حسین هارونی (متوفی ۴۲۴ق) از عالمان مشهور زیدی، تحصیلات خود را ادامه داد. در همین اوان نیز حاکم چشمی به نزد فقیه حنفی مشهور نیشابور، ابومحمد عبدالله بن حسین ناصحی (متوفی ۴۴۷) که قاضی القضاة نیشابور بود، نیز به تحصیل پرداخت. حاکم نزد او آثار مشهور حنفی چون کتاب اصول محمد بن حسن شیبانی و کتاب‌های دیگر الجامع و الزیادات و مطالبی در علم حساب را فرا گرفت. همچنین حاکم چشمی از برخی دیگر عالمان زیدی ابوالقاسم محمد بن احمد بن مهدی حسنی و ابوالبرکات هبه‌الله بن محمد حسنی نیز سماع حدیث کرده است.^{۶۱} به نوشته تمام مصادری که شرح حال حاکم را نقل کرده‌اند، وی در آغاز حنفی بوده و بعدها به زیدیه گرویده است. شاگردی او نزد عالمان حنفی نیشابور نیز نشانگر

۵۷. ظهیر الدین ابوالحسن علی بن زید البیهقی (متوفی ۵۶۵ق)، تاریخ بیهق، به کوشش سید کلیم الله حسینی (حیدرآباد، دائرة المعارف عثمانیه، ۱۳۸۸ق/۱۹۶۸)، ص ۳۶۹-۳۶۷.

۵۸. برای شرح حال چشمی در منابع زیدی، نک: ابن ابی الرجال، ج ۴، ص ۴۰۳-۴۰۴؛ شهری، ج ۲، ص ۸۹۵-۸۹۱.

۵۹. حاکم چشمی، ص ۳۶۷، ۱۹۰ و ۳۸۹.

۶۰. حاکم چشمی در کتاب شرح عیون المسائل خود از استاد خود نام برده است: عدنان زرزور، الحاکم الجسومی و منهجه فی

تفسیر القرآن (بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۳۹۱ق/۱۹۷۱)، ص ۷۷-۷۶.

۶۱. برای بحث از مشایخ دیگر حاکم چشمی بنگرید به زرزور، ص ۷۹.

تمايلات حنفی اوست. تأثیر جدی حاکم جشمی در انتقال میراث مکتب کلامی قاضی عبدالجبار معتزلی (متوفی ۴۱۵) است که حاکم در عباراتی بلند در کتاب شرح *عیون المسائل* او را ستوده است. همانگونه که زررور اشاره کرده است، اهمیت ویژه حاکم جشمی و آثارش، در وابستگی او به مکتب کلامی قاضی عبدالجبار است و حاکم در آثار به نحو دقیق به تلخیص و ارائه آرای قاضی عبدالجبار پرداخته و راز توجه زیدیان یمنی نیز به آثار او از این منظر بوده است.^{۶۲}

حاکم جشمی آثار فراوانی در حوزه‌های مختلف علوم به رشته تحریر درآورده است که بسیاری از آنها هنوز به صورت خطی است. در زمینه تفسیر قرآن وی اثری بلند به نام *التهدیب فی التفسیر* نگاشته که نسخه‌ای کهن از آن باقی مانده و اهمیت فراوان آن به دلیل نقل قولهای فراوان از تفاسیر معتزلی است که در روزگار حاکم جشمی موجود بوده اما اینک در اختیار نیست. حاکم همچنین اثر مختصری در تفسیر به نام *تنبيه الغافلین عن فضائل الطالبیین* نگاشته که در آن به گردآوری آیات نازل شده در حق اهل بیت و تفسیر مختصر آنها پرداخته است. وی در این کتاب به ترتیب سوره‌های قرآن، آیات نازل شده در هر یک از سوره‌ها در حق امیرالمؤمنین علی (ع) و اهل بیت را گردآورده است. بیشترین تألیفات حاکم جشمی در حوزه دانش کلام است که بعدها انتقال این آثار به یمین تأثیر مهمی در تحول کلام زیدیه نهاده است. وی کتاب مختصری به نام *عیون المسائل* نگاشته که در آن از مسائل کلامی به اختصار سخن گفته است. نسخه‌ای از این کتاب با عنوان *العیون فی الرد علی اهل البدع* باقی مانده است. وی بعدها این کتاب را با عنوان *شرح عیون المسائل* بسط بیشتری داده است. کتاب *شرح عیون المسائل* که از مشهورترین آثار حاکم جشمی است در هفت فصل تدوین شد: در فصل یکم وی به بحث از فرق‌های خارج از اسلام پرداخته و در فصل دوم به بحث از فرقه‌های اسلامی (اهل قبله) پرداخته است. فصل سوم گزارش مفصلی است از معتزله و شرح حال و احوال عالمان معتزلی تا روزگار حاکم جشمی که این بخش از کتاب وی منتشر شده است. چهار فصل آخر کتاب به ترتیب به بحث از مسائل کلامی توحید، عدل و جبر، نبوت و ادله شرع اختصاص یافته است. در حوزه حدیث، مشهورترین اثر حاکم جشمی، کتاب *جلاء الابصار فی متون الاخبار* است که امالی از احادیث املاء شده توسط حاکم در مسجد جامع جشم و در آن حاکم در ضمن بیان احادیث، نکات ادبی، تاریخی فراوانی را در ضمن مطالب خود بیان کرده است.^{۶۳} در این کتاب حاکم به نقد و بررسی احادیث جبری و همچنین بیان معنی درست احادیث از منظر

۶۲ المهدی لدین الله احمد بن یحیی کتاب *القلائد* خود را بر اساس شرح *عیون المسائل* حاکم نگاشته است. زررور، ص ۴۵۴.
 ۶۳ گزارشی درباره کتاب *جلاء الابصار* توسط نگارنده ارائه شده است: محمد کاظم رحمتی، «معرفی جلاء الابصار فی متون الاخبار (متنی حدیثی از میراث معتزله)»، علوم حدیث، سال ششم، شماره سوم (پائیز ۱۳۸۰)، ص ۱۳۶-۱۰۳.

یک معتزلی پرداخته‌است. در زمینه تاریخ نیز، حاکم آثاری نگاشته‌است که از جمله آثار موجود او جنگی به نام السفینه است.^{۶۴} اثر مختصر رساله ایلیس الی اخوانه المجره (رساله ایلیس الی اخوانه المناحیس) یا رساله الشیخ ابی مره یکی از شاهکارهای حاکم جسمی است که در آن به زبان طنز به بیان مسائل کلامی فرقه‌های مختلف پرداخته‌است. در حقیقت نظیری دیگر برای این رساله حاکم جسمی در سنت اسلامی نمی‌توان یافت. از دیگر آثار کلامی وی که اینک نسخه‌هایی از آن در دست است، می‌توان کتاب التائیر و المؤثر و کتاب تحکیم العقول فی تصحیح الاصول را نام برد که اثر اخیر به چاپ نیز رسیده‌است.

انتقال میراث زیدیه به یمن و اهمیت آن

یکی از مهمترین عالمان زیدی که در نشر و انتشار آثار حاکم جسمی نقش فراوانی ایفا کرده‌است، ابوالحسن زید بن حسن بن علی بیهقی بروقنی (بروغنی) است (متوفی ۵۵۱ق). وی در نزد شاگردان حاکم جسمی درس آموخته‌است. از مهمترین مشایخ وی ابوالحسن علی بن محمد بن جعفر حسنی، نقیب استرآباد و علی بن محمد بن حسین بن سرجان مؤلف کتاب المحيط باصول الامامه را می‌توان نام برد.^{۶۵} بیهقی در راه سفر به یمن در ۵۴۰ قمری، در شهر ری نزد احمد بن ابی الحسن کنی اجازه روایت برخی از آثار زیدیه را اخذ کرد. وی که بعد از رواج مذهب مطرفیه به دعوت شریف مکه، ابن وهّاس به یمن مهاجرت کرد،^{۶۶} یخش اعظمی از میراث زیدیه ایران خاصه آثار حاکم جسمی را با خود به یمن برد و در صعده در کنار قبر الهادی الی الحق به تدریس آنها مشغول شد.^{۶۷} در شهر نیشابور نیز از حضور جماعتی از زیدیه اطلاعات اندکی در دست است هر چند به احتمال فراوان برخی از سادات ساکن در نیشابور، زیدی بوده‌اند.

۶۴ گزارش مشروخی از کتاب السفینه توسط انصاری ارائه شده است: حسن انصاری قمی، «حاکم جسمی و کتاب السفینه الجامعه»، کتاب ماه دین، شماره ۹۱-۹۲ (اردیبهشت - خرداد ۱۳۸۴)، ص ۹۱-۹۴. برای بحثی عام از آثار حاکم جسمی بنگرید به: زرزور، ص ۱۱۳-۹۳.

۶۵ ابن ابی الرجال (ج ۲، ص ۲۱۵-۲۱۴) از ابوعبدالله حسین بن محمد شاه سرجان (در متن شاه سرجان) نام برده و گفته که از بزرگان (عیون) اصحاب المؤید بالله بوده است. وی ظاهراً پدر بزرگ مؤلف کتاب المحيط باشد.

۶۶ برای آگاهی درباره شرح حال ابن وهّاس، نک: ابن ابی الرجال، ج ۳، ص ۲۹۹-۲۹۳؛ شهری، ج ۲، ص ۷۷۶-۷۷۴.

۶۷ روابط فرهنگی میان زیدیان جبال و طبرستان با یمن با رفت و آمدهای دو طرفه از زیدیان یمنی به ایران و زیدیان ایرانی به یمن در قرون سوم تا هفتم امری عادی بوده است. در قرن ششم، ابوالغمر عبدالله بن علی عنسی از زیدیان یمنی به ایران سفر کرد و در لاهیجان به نزد عالم زیدی ابوالحسن زید بن علی هوسمی رسید و در خانه وی در ربیع الاول سال ۵۰۰ اجازه روایت کتاب شرح/التجربید به قلم خود هوسمی را گرفت. وی همچنین از هوسمی که طریق اتصال به روایت آثار الهادی و برادران هارونی را نیز داشت، اجازه روایت آن آثار را نیز اخذ کرد. شهری، ج ۲، ص ۶۱۸-۶۱۶.

یکی از شاگردان زیدی حاکم جسمی که در نیشابور سکونت داشته، شخصی است به نام بدرالدین حسن بن علی حسینی جوینی (زنده در ۵۹۸ق) که در شرح حال مختصرش به ارتباط وی با حاکم جسمی اشاره شده و گزارشی از روایت برخی متون حدیثی از جمله برخی آثار زیدی چون *امالی* احمد بن عیسی بن زید توسط او به طریقتش از مشایخ زیدیه اشاره شده است.^{۶۸} آگاهی‌های بیشتر دربارهٔ جوینی، در شرح حال برادرزادهٔ وی، یحیی بن اسماعیل حسینی علوی نیشابوری جوینی آمده است.^{۶۹} یحیی بن اسماعیل در نزد جوینی بسیاری از کتب زیدیه از جمله آثار حام جسمی همچون *جلاء الابصار*، *تنبيه الغافلین و السفینه* را به سماع او از حاکم جسمی، دریافت کرده است. وی در نیشابور و در محلهٔ مشهور شادیاخ نیشابور، مدرسه‌ای داشته که در سال‌های ۵۹۸ و ۶۰۰ قمری چند تن از زیدیان ایرانی و یمنی نزد او برخی آثار از جمله *نهج البلاغه* را سماع کرده‌اند. از شاگردان یحیی بن اسماعیل نام کسانی چون معین‌الدین احمد بن زید حاجی^{۷۰} و عمرو بن جمیل نهدی و احمد بن احمد بن حسن بیهقی بروقتی دانسته است.^{۷۱}

به‌احتمال در نیشابور بوده که عالم زیدی مرتضی بن سرانگ حسینی علوی مرعشی از نوادگان حضرت علی (ع)،^{۷۲} نزد معین‌الدین احمد بن زید کتاب *اعلام الروایه علی نهج البلاغه* از

۶۸ برای آگاهی دربارهٔ شرح حال او، نک: ابن ابی‌الرجال، ج ۲، ص ۶۵، شهرای، ج ۱، ص ۳۱۰-۳۰۹.

۶۹ شهرای (ج ۳، ص ۱۲۰۹) نسب کامل او را ذکر کرده است. ابن ابی‌الرجال (ج ۳، ص ۳۸۰) نیز بیان می‌کند که یحیی بن اسماعیل، علوی بوده و دعوت‌المنصور بالله را به علاء‌الدین شاه خوارزم رسانده است. عمرو بن جمیل نزد یحیی بن اسماعیل در مدرسه اش در محلهٔ شادیاخ نیشابور، کتاب‌های *جلاء الابصار فی تأویل الأخبار* حاکم جسمی، *امالی السید الناطق بالحق*، صحیفه سجادیه، *نهج البلاغه* و *امالی* سمان را قرائت و اجازه روایت دریافت کرده است: ابن ابی‌الرجال، ج ۳، ص ۳۸۲-۳۸۰.

Hassan Ansari and Sabine Schmidtke, "Mu'ytazilism After 'Abd Al-Jabbar: Abu Rashid Al-Nisaburi's *Kitab Mas'ûl Al-Khilaf Fi L-Usul* (Studies on the Transmission of Knowledge From Iran to Yeman in THE 6th/12th AND 7th/13th C., I)," *Studia Iranica* No 39 (2010), pp.254-260.

۷۰ برای شرح حال حاجی بنگرید به: ابن ابی‌الرجال، ج ۱، ص ۳۰۰-۲۹۹.

۷۱ ابن ابی‌الرجال (ج ۲، ص ۱۴۴-۱۴۳) نام ابن فقیه را فریدالدین حسن بن مهدی فریومدی (در متن به خطا فریومدی) بیهقی زیدی آورده است. فریومد از ربع‌های مشهور بیهقی بوده و گروهی از سادات نیشابور در آنجا سکنی گزیده بودند. ابوالحسن علی بن زید البیهقی (متوفی ۵۶۵ق)، *تاریخ بیهقی*، به کوشش سید کلیم الله حسینی (حیدرآباد، دائرة المعارف عثمانیه، ۱۲۸۸ق/۱۹۶۸)، ص ۶۵ و ۱۱۳-۹۴. ابن ابی‌الرجال (ج ۲، ص ۲۹۶) از قول شعله نقل کرده که زید بن احمد بیهقی، نام دیگرش احمد بن احمد بروقتی بوده و در سال ۶۱۰ به حوث آمده است. مشخص است که این نام‌ها با توجه به تاریخ ورود بیهقی به یمین، بر یک تن دلالت دارد و تعدد نام وی در منابع زیدی به خاطر نام‌های متفاوت خود بیهقی بوده است. ابن ابی‌الرجال (ج ۱، ص ۲۴۵) شرح حال ابن فقیه را در ذیل نام احمد بن احمد بن حسن بیهقی بروقتی نیز آورده است. برای آگاهی دربارهٔ شرح حال عمرو بن جمیل نهدی، نک: ابن ابی‌الرجال، ج ۳، ص ۳۸۲-۳۷۹، شهرای، ج ۲، ص ۸۴۲-۸۴۰.

۷۲ مرتضی بن سرانگ بن محمد بن یحیی بن علی بن سرانگ بن حمزه بن حسن بن علی مرعشی بن عبدالله بن محمد

بن حسن بن حسین اصغر بن علی زین‌العابدین بن حسین بن علی (ع).

مؤلف آن صدرالدین علی بن ناصر حسینی سرخسی^{۷۳} و کتاب نهج البلاغه را به طریق حاجی از یحیی بن اسماعیل جوینی سماع کرده‌است. مرتضی بن سراهنگ به یمن مهاجرت کرد و در آنجا با دختر المنصور بالله عبدالله بن حمزه، ازدواج کرد. در یمن عالم نامور یمنی حمید بن احمد مُحلی در کحلان از وی در ۶۳۸ کتاب اعلام الروایه و نهج البلاغه را سماع کرد و احمد بن محمد اکوع مشهور به شُعله (متوفی حدود ۶۴۰ق) نیز کتاب أنساب الطالبیه را نزد او خواند و اجازه روایت تمام مسموعات وی را دریافت کرد.^{۷۴} در همین دوران از مهاجرت فقیه زیدی به نام تاج الدین احمد بن احمد که نام او به صورت احمد بن حسن و زید بن احمد بیهقی بروقنی نیز آمده، به یمن که از شاگردان یحیی بن اسماعیل بوده، اطلاعی در دست است. وی در رمضان ۶۰۰ قمری در محله شادیاخ نیشابور، که مدرسه یحیی بن اسماعیل در آنجا قرار داشت، نهج البلاغه و سفینه حاکم جسمی، صحاح سته و آثار دیگری را از استادش سماع کرده‌است. وی همچنین کتاب الافاده فی تاریخ الائمه الساده ابوطالب هارونی را از عالم زیدی شعیب بن داسیون سماع کرده و در یمن به طریق وی کتاب الافاده را روایت کرده‌است.^{۷۵} بعد از این تاریخ اطلاع خاصی درباره جماعت زیدیه در خراسان که در معرض تاخت و تاز غزان و بعدها مغولان قرار گرفت، در دست نیست.

اهمیت قاضی مسوری در تثبیت میراث زیدیه ایران در یمن

شخصیت کلیدی در انتقال میراث زیدیه ایران به یمن، سوای دیگر عالمانی که از آنها تا کنون سخن رفته‌است، عالم، متکلم و فقیه برجسته زیدی قاضی جعفر بن عبدالسلام بن احمد مسوری است. درباره سوانح حیات و حتی تاریخ دقیق تولد مسوری اطلاع چندانی در دست نیست که دلیل

۷۳. برای آگاهی از شرح حال صدرالدین علی بن ناصر حسینی مؤلف کتاب اعلام نهج البلاغه، نک: حسن انصاری قمی، «اخبار الدولة السلجوقیه»، معارف، دوره هفدهم، شماره ۱ (فروردین - تیر ۱۳۷۹)، ص ۱۷۲-۱۶۷؛ حسن انصاری قمی، «فخر رازی و مکاتبه او با یکی از حکمای معاصر خود»، معارف، دوره هجدهم، شماره ۳ (آذر - اسفند ۱۳۸۰)، ص ۲۶-۱۰؛ محمد کاظم رحمتی، «صدر الدین علی بن ناصر حسینی و نکاتی تازه درباره او»، گرمی‌نامه استاد عطاردی (تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵)، ج ۲، ص ۱-۶۸۱. نسخه نهج البلاغه که سراهنگ در نیشابور سماع کرده، توسط وی به یمن برده شده و نسخه‌های زیدی یمن استنساخی از آن هستند: محمد کاظم رحمتی، «نسخه‌های نیشابوری نهج البلاغه»، مقالاتی در تاریخ زیدیه و امامیه (تهران: بصیرت، ۱۳۸۷ش)، ص ۲۹-۳۴.

۷۴. برای شرح حال مرتضی بن سراهنگ بنگرید به: شهری، ج ۲، ص ۱۱۱۷-۱۱۱۶. برای شرح حال شعله بنگرید به: ابن ابی الرجال، ج ۱، ص ۴۵۵-۴۵۴.

۷۵. مرتضی بن سراهنگ مرعشی همچنین متذکر شده که بیهقی از شاگردان صدر الدین علی بن ناصر حسینی نیز بوده است و تاریخ رسیدن وی به یمن را سال ۶۱۰ قمری در زمان المنصور بالله یاد کرده و گفته که بیهقی از عراق به حوث آمده‌است: شهری، ج ۱، ص ۱۰۴.

بیشتر آن تعلق داشتن قاضی جعفر به گروه اسماعیلیه در یمن است.^{۷۶} وی همانند پدر و اجدادش یک چندی بر مذهب اسماعیلیه بود و در خدمت به حاکمان اسماعیلی صلیحی و بنوحاتم به کار قضاوت در شهر صنعا اشتغال داشته‌است. برادر وی، یحیی بن احمد (متوفی ۵۶۲) نیز در خدمت بنوزریع، حاکمان اسماعیلی شهر عدن بود که در این ایام به دلیل ناتوانی زیدیان قدرتی به هم رسانده بودند. در تاریخی نامشخص قاضی جعفر به زیدیه و جریان پرنفوذ مطرفیه گروید. به احتمال آنچه که باعث گرویدن او به زیدیه شده بود، دیدگاه‌های زهدگرایانه مطرفیه بوده باشد. تاریخ گرایش قاضی جعفر به زیدی مطرفی دانسته نیست اما در زمان رسیدن بیهقی به یمن در ۵۴۱ قمری، قاضی جعفر شخصیت شناخته شده در میان زیدیان مطرفی بوده‌است. تعالیم بیهقی باعث شد تا قاضی جعفر دست از عقیده به تطریف شسته و به زیدیان مخترعه بپیوندد. توانایی جدی قاضی جعفر در بحث و مناظره به سرعت او را به سخنگویی زیدیان مخترفه تبدیل کرد.

زمانی که بیهقی در ۵۴۵ قمری قصد کرد که ترک یمن گفته و به دیار خود بازگردد، قاضی جعفر به قصد دیدار از مراکز زیدی ایران و اتمام تحصیل خود نزد بیهقی، تصمیم گرفت تا بیهقی را در بازگشت به دیارش همراهی کند. مرگ ناگهانی بیهقی در محلی به نام سیحار در وادی تهمامه قاضی جعفر را از ادامه سفر بازداشت و او خود به تنهایی به سفرش ادامه داد.^{۷۷} قاضی جعفر در سفر خود، تصمیم داشت تا آثار زیدی که به احتمال وصف آنها را از بیهقی شنیده بود، تهیه کند و با خود به یمن منتقل کند. در ری وی به نزد عالم نامور زیدی وقت ابوالعباس احمد بن ابی الحسن کنی شتافت و نزد او بخشی از آثار زیدیة ایران را همچون کتاب *الزیادات المؤید بالله*، قرائت کرد و از او اجازه عام روایت آثار زیدیه را دریافت کرد که بخشی از این اجازه را شهراری در *طبقات الزیدیه الکبری* خود نقل کرده‌است. بر اساس این اجازه مشخص می‌شود که تاریخ حضور قاضی جعفر در

۷۶. برای آگاهی از شرح حال قاضی جعفر، نک: ابن فند، ج ۲، ص ۷۷۴-۷۶۹؛ ابن ابی الرجال، ج ۱، ص ۶۲۴-۶۱۷؛ شهراری، ج ۱، ص ۲۷۸-۲۷۳؛ مجدالدین بن محمد بن منصور مؤیدی، *التحف شرح الزلف* (صنعا: مکتبه بدر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۷ق/۱۹۹۷)، ص ۲۴۱-۲۳۳. درباره نقش قاضی جعفر در انتقال میراث زیدیه ایران و عراق به یمن و منازعات او با مطرفیه، نک: آیمن فؤاد سید، *تاریخ المذاهب الدینیة فی بلاد الیمن حتی نهاية القرن السادس الهجری* (بیروت: الدار المصریة اللبنانیة، ۱۴۰۸ق/۱۹۸۷)، ص ۲۵۹-۲۵۴؛ علی محمد زید، *تبارات معتزلة الیمن فی القرن السادس الهجری* (صنعا: مرکز الفرنسی للدراسات الیمنیة، ۱۹۹۷)، ص ۱۴۳-۱۳۰.

Jan Thiele, «Propagating Mutazilism in the VIth/XIth Century Zadiyya: The Role of al-Hasan al-Rassas», *Arabica*, No 57 (2010), pp.541, no.24.

۷۷. درباره جوامع زیدی ری و استرآباد در قرون پنجم و ششم هجری، نک: حسن انصاری قمی، «چند خاندان زیدی مذهب ری سده‌های پنجم و ششم هجری و روایت امالی سمان»، در پایگاه:

<http://ansari.kateban.com/entry1823.html>.

نزد کنی اول جمادی‌الاولی ۵۵۲ بوده‌است.^{۷۸} قاضی جعفر همچنین با فقیه و عالم زیدی، احمد بن حسن بن علی بن اسحاق فرزادی که در ری ساکن بوده، دیدار داشته و برخی از آثار زیدیه را نزد او سماع کرده‌است.^{۷۹}

ابوالعباس احمد بن ابی الحسن کنی که در ضبط نام وی در منابع زیدی اختلاف وجود دارد و گاه نام او به صورت قطب‌الدین احمد بن حسن بن احمد بن ابی‌الفتح بن عبدالوهاب کنی آمده، از عالمان زیدی ساکن در ری بوده‌است. به نوشته خود وی در کتاب *کشف‌الغلطات* که نسخه‌ای از آن در میان زیدیان یمنی به روایت قاضی جعفر وجود داشته، از شاگردان ابوالفوارس توران‌شاه بن خسروشاه دیلمی بوده‌است. کنی همچنین از فخرالدین زین بن حسن بیهقی در سال ۵۴۰ قمری که در راه سفر حج به ری آمده بود، اجازه روایت مجموعه حدیثی زید بن علی و امالی ابوطالب هارونی را اخذ کرده بود. همچنین وی نزد عبدالحمید بن عبدالحمید استرآبادی زیدی که همراه بیهقی به ری آمده بود، رفته و امالی هارونی را به اجازه از او نیز دریافت کرده‌است. کنی نزد عالمان زیدی ری چون ابوعلی حسن بن علی بن ابی طالب فرزادی، ابورشید بن عبدالحمید رازی، شیخ عبدالوهاب بن ابی علاء نصرویه سمان که در ربیع‌الاول ۵۴۳ از آنها اجازه روایت *امالی* ابوالحسین هارونی را دریافت کرده بود، تحصیل کرده‌است. بعد از سماع حدیث و جمع آوری کتابهای موجود و متداول زیدی در مناطق جبال و سفر به مراکز زیدی جبال و دیلمان، قاضی جعفر در ۵۵۴ به یمن بازگشت و در زادگاه خود سناع حده، محلی در جنوب صنعا به تدریس پرداخت.^{۸۰}

فعالیت‌های وی خشم مطرفیه را که در مقابل مدرسه او، مدرسه‌ای بنا کرده بودند، برانگیخت اما حمایت امام زیدی احمد بن سلیمان از او، به تقویت جایگاه قاضی جعفر منتهی شد. میراث گسترده‌ای که قاضی جعفر با خود به یمن منتقل کرده بود، موج جدیدی از تحول را در جامعه زیدیه یمن پدید آورد و تأثیرات آن را در حوزه نگارش آثار فقهی و کلامی می‌توان دید. در حقیقت اکنون بیشتر آثار عالمان زیدی ایرانی موجود در کتابخانه‌های یمن، استنساخ از نسخه‌های منتقل شده توسط قاضی جعفر از ایران و عراق به یمن است. قاضی جعفر شاگردان فراوانی تربیت کرده که

۷۸. برای گزارشی از دیگر آثار و مشایخ کنی بنگرید به: ابن ابی‌الرجال، ج ۱، ص ۲۴۵-۲۴۶؛ شهری، ج ۱، ص ۱۰۸-۱۰۷.

۷۹. ابن ابی‌الرجال، ج ۱، ص ۲۹۲-۲۹۱.

۸۰. قاضی جعفر از مراکز زیدی عراق نیز دیدار کرده و با عالمان زیدی آنجا سماع کرده است: حمید بن احمد المحلی، *محاسن الأزهار فی مناقب امام الأبرار و والد الدئمة الأطهار الإمام أمير المؤمنين علی بن أبی طالب علیه السلام*، تحقیق الشیخ محمد باقر المحمودی (قم: مجمع إحياء الثقافة الإسلامية، ۱۴۲۲)، ص ۴۶-۴۵.

از جمله آنها می‌توان به حسن بن محمد رصاص (متوفی ۵۸۴ق)،^{۸۱} حمید بن احمد قرشی (متوفی ۶۳۳ق)،^{۸۲} بدرالدین محمد بن احمد (متوفی ۶۱۴ق) و کسان دیگری را برشمرد. همچنین نفوذ دیرپایی قاضی جعفر در سنت زیدیه را می‌توان از تدریس کتاب‌های وی به عنوان متن‌های درسی در مدراس دینی یمن دریافت.

مناسبات زیدیان ایرانی با یمنی‌ها پس از قاضی جعفر

تعامل متقابلی میان جامعه زیدیه یمن خاصه از زمان المنصور بالله عبدالله بن حمزه (متوفی ۶۱۴) با زیدیان دیلمان وجود داشته و آنها امامت این امام زیدی را پذیرفته بودند. عبدالله بن حمزه در ربیع الثانی ۵۶۱ در روستای عیشان به دنیا آمد. نسب وی به قاسم بن ابراهیم رسی می‌رسد.^{۸۳} وی نزد عالمان مشهور یمن مانند ابوالحسن حسن بن محمد رصاص علوم متداول زمان خود از آن میان کلام را فراگرفت. در ۵۹۳ دعوی امامت کرد و توانست امامت زیدیه در یمن را به دست آورد، سرانجام در ۶۱۴ قمری درگذشت و در کوبکان به خاک سپرده شد. وی اهمیت خاصی به گردآوری کتاب‌های کلامی معتزله داشته و کتابخانه او یکی از مهمترین کتابخانه‌های یمن بوده‌است که بخش‌هایی از کتابخانه او امروز در کتابخانه جامع کبیر صنعا نگهداری می‌شود.^{۸۴} همچنین احمد بن

۸۱. رصاص نقش مهمی در ترویج متون معتزلی که قاضی جعفر با خود به یمن آورد، داشته و خود حتی برخی از متون معتزلی مکتب بهشمیه را چون نسخه‌ای از کتاب *المجموع فی المحيط بالتکلیف ابن متویه* که در جامع کبیر صنعا، المکتبه الشریقه، شماره ۵۵۱ موجود است، کتابت کرده‌است. او آثار مختلفی بر اساس کتاب‌های عالمان معتزلی بهشمیه تألیف کرده است. درباره اهمیت حسن رصاص، نک: Jan Thiele, pp.536-558.

۸۲. ابن ولید قرشی علاوه بر آنکه یک دوره از کتاب *المعنی* را کتابت کرده، آثار کلامی در نقد دیدگاه‌های معتزلیان و گاه برخی زیدیان ایرانی نگاهشته است. نسخه یمنی موجود کتاب *المعنی*، در حقیقت به جز چند بخش جزئی که در سنت یهودیان قرائمی باقی مانده، تنها نسخه موجود از کتاب است که ابن ولید قرشی به جهت کتابخانه عبدالله بن حمزه کتابت کرده‌است. برای توضیحات بیشتر، نک:

Haggai Ben-Shammai, "A note on some Karaite copies of Mu'tazilite writings," *Bulletin of the School of Oriental and African Studies* 37 (1974) pp.295-304; Sabine Schmidtke, "The Karaites Enconter With The Thought of Abu L-Husayn Al-Basri (D. 436/1044). A Survey of The Relevant Materials in The Firkovitch-Collection, ST. Petersburg," *Arabica*, tome LIII, 1(2006), pp.108-142; idem, "Mutazili Manuscripts in the Abraham Firkovitch Collection, St. Petersburg. A Descriptive Catalogue," in: *A Common Rationality. Mutazilism in Islam and Judaism*, eds., Camilla Adang, Sabine Schmidtke & David Sklare. Wurzburg: Ergon, 2007, pp. 377-462.

۸۳. عبدالله بن حمزه بن سلیمان بن حمزه بن علی بن حمزه بن حسن بن عبدالرحمان بن یحیی بن عبدالله بن بن حسین بن قاسم بن ابراهیم بن اسماعیل بن ابراهیم بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب.

۸۴. وی نقش مهمی در از بین بردن مطرفیه داشته و در آثار مختلف خود به رد نظرات مطرفیه پرداخته و رساله‌های جداگانه‌ای نیز در رد مطرفیه نگاهشته است. برای شرح حال عبدالله بن حمزه بنگرید به: ابن فند، ج ۲، ص ۸۱۶-۷۹۹؛ علی محمد زید، ص ۱۹۸-۱۵۶.

محمد بن حسن رصاص (متوفی ۶۵۶) نامه‌ای به زیدیان گیلان و دیلمان نوشته که متن آن باقی مانده است.^{۸۵} فقیه و متکلم نامور زیدی به نام محمد بن حسن بن محمد دیلمی شخصیتی است که در قرن هفتم به یمن مهاجرت کرد و در آنجا آثار مهمی چون *قواعد عقائد آل محمد* را نگاشت. وی که در زمان المهدی لدین الله محمد بن المتوکل علی الله به یمن رسیده بود، بخش مهمی از کتابش را به رد باطنیان اختصاص داده است. وی در راه بازگشت به دیلمان در وادی مر به سال ۷۱۰ درگذشت.^{۸۶} تحقیق بیشتر و دستیابی به متون بیشتر زیدیه در آینده، امکان درک بهتری از این جریان کلامی که تأثیرات شگرفی بر مناطق شمالی ایران نهاده، فراهم خواهد کرد.

نتیجه گیری

جامعه زیدیه ایران گرچه از حیث قدرت سیاسی تنها برهه‌ای بسیار کوتاه توانست امارتی در نواحی جنوبی دریای خزر تشکیل دهد اما به رعم سقوط قدرت سیاسی تا چند سده بعد، حضور فرهنگی مهمی در نواحی طبرستان داشته است. میراث غنی زیدیان ایران و توجه جدی آنها به حفظ و انتقال میراث معتزله یکی از جنبه‌های مهم فعالیت‌های فرهنگی آنها بوده است. در قرون پنجم تا هفتم قمری، خاصه در دوران امامت ابوطالب اخیر (متوفی ۵۲۰ق) روند انتقال میراث زیدیان ایرانی به یمن شتاب بیشتری گرفت. روند اخیر در دوران امامت امام زیدی عبدالله بن حمزه (متوفی ۶۱۴ق) به دلیل شکل‌گیری جریان مطرفیه در میان زیدیان یمنی و نیازمندی زیدیان یمنی به میراث زیدیان ایران و متون معتزلی گرایش به بهشمیه در نقد جریان مطرفیه، روند انتقال میراث زیدیان ایرانی و متون معتزلی مکتب بهشمیه را به یمن شتاب بخشید. در این روند قاضی جعفر بن عبدالسلام بن احمد مسوری (متوفی ۵۷۳ق) نقش کلیدی ایفا کرد؛ به گونه‌ای که امروز نام قاضی جعفر در سلسله اسناد بخش اعظم میراث زیدیان ایرانی در یمن، آمده است و به احتمال قاضی جعفر در تهذیب و پیراستن متونی که به یمن برده نقشی داشته و گاه برخی مطالب ناسازگار با سنت زیدی را نیز از آثار مذکور حذف کرده باشد. زیدیان ایرانی در قرون بعدی آرام آرام با گسترش یافتن تشیع امامیه در طبرستان در دوران صفویه، خاصه با تغییر مذهب خان احمد گیلانی از زیدیه به تشیع، پشتوانه‌های

۸۵ ابن ابی الرجال، ج ۱، ص ۴۳۰-۴۲۲. درباره مطرفیه بنگرید به: عبدالغنی محمود عبدالعاطی، *الصراع الفکری فی الیمن بین الزیدیة و المطرفیة*، (حیزه (الهرم): عین للدراسات و البحوث الانسانیة و الاجتماعیة، ۲۰۰۲).
۸۶ برای شرح حال وی، نک: ابن ابی الرجال، ج ۴، ص ۲۵۸-۲۶۰. همچنین احمد بن میر حسنی گیلانی در قرن نهم به یمن مهاجرت کرد و قصد دیدار با امام یمنی یحیی بن حمزه را داشت، اما در هنگام رسیدن به یمن، یحیی بن حمزه درگذشته بود: ابن ابی الرجال، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۸۶. برای دیگر زیدیان دیلمی مهاجر به یمن بنگرید به: ابن ابی الرجال، ج ۲، ص ۲۷۰-۲۷۱، ج ۴، ص ۳۶۵-۳۶۴.

سیاسی خود را نیز از دست داد، اما با انتقال میراث مکتوب زیدیه در قرون پنجم تا هفتم به یمن، به رونق و شکوفایی سنت زیدیه در یمن کمک فراوانی کرده‌است.

کتابنامه

ابن اَبی الرجال، احمد بن صالح. *مطلع البدور و مجمع البحور فی تراجم رجال الزیدیه*. تحقیق عبدالرقيب مطهر محمد حجر. صعه: مرکز أهل البيت للدراسات الاسلامیة، ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۴م.
ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد بن حسن. *تاریخ طبرستان*. تصحیح عباس اقبال. تهران: کتابخانه کلاله خاور، ۱۳۳۰.

ابن طباطبا، ابواسماعیل ابراهیم بن ناصر. *منتقله الطالبیه*. حقه و قدم له السيد محمد مهدی السيد حسن الخراسان. النجف: المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۸م.

ابن فند، محمد بن علی بن یونس الزحیف. *مآثر الابرار فی تفصیل مجملات جواهر الاخبار و یسمى اللواحق الندیة بالحدائق الوردیة*. شرح پسامه السيد صارم الدین الوزیر). تحقیق عبدالسلام عباس وجیه و خالد قاسم محمد المتوکل. صنعاً: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیة، ۱۴۲۳ق / ۲۰۰۲م.

انصاری قمی، حسن. «ابوزید علوی و کتاب او در رد امامیه». معارف. دوره هفدهم. شماره ۱، فروردین - تیر، ۱۳۷۹. ص ۱۲۹ - ۱۲۵.

_____ «تاریخ مسلم لحجی». معارف. دوره پانزدهم. شماره ۳. آذر - اسفند، ۱۳۷۷. ص ۱۵۲ - ۱۳۲.

_____ «زیدیه و منابع مکتوب امامیه». علوم حدیث. سال ششم. شماره دوم، تابستان، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱ - ۱۴۹.

_____ «چند خاندان زیدی مذهب در ری سده‌های پنجم و ششم هجری و روایت امالی سمان»، در پایگاه: <http://ansari.kateban.com/entry1823.html>. (accessed jan 1, 2011).

_____ «میراث زیدیان ایران (۱): کتابی کلامی از ابومضر الشریحی»، در پایگاه: <http://ansari.kateban.com/entry1678.html>. (accessed jan 1, 2011).

_____ «نهج البلاغه پیش از نهج البلاغه». نشر دانش. سال نوزدهم، شماره اول، بهار ۱۳۸۱.

_____ «یادداشتی درباره مطرفیه و ردیه قاضی جعفر ابن عبدالسلام». کتاب ماه دین. شماره ۴۹ - ۵۰ آبان و آذر ۱۳۸۰. ص ۱۲۶-۱۱۲.

ایمن فؤاد السید. *تاریخ المذاهب الدینیة فی بلاد الیمن حتی نهایة القرن السادس الهجری*. بیروت: الدار المصریة اللبنانیة، ۱۴۰۸ق / ۱۹۸۷م.

البدستی، اسماعیل بن احمد. *کتاب المراتب*. تحقیق محمد رضا انصاری قمی. قم: دلیل ما، ۱۴۲۱ق.

بیهقی، ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید. *تاریخ بیهقی*. به کوشش سید کلیم الله حسینی. حیدرآباد: دائرة المعارف عثمانیه، ۱۳۸۸ق / ۱۹۶۸م.

_____ لباب الانساب و الالقاب و الاعقاب. تحقیق سید مهدی رجایی. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی العامه، ۱۴۱۰م.

الجشمی البیهقی، ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه. الطبقتان الحادیة عشره و الثانیة عشره من کتاب شرح العیون. فضل الاعتزال و طبقات المعتزله. تحقیق فؤاد سید. تونس: الدار التونسیه للنشر، ۱۳۹۳ق / ۱۹۷۴م. دانش پژوه، محمدتقی. «دو مشیخه زیدی». نامه مینوی: مجموعه سی و هشت گفتار در ادب و فرهنگ ایرانی به پاس پنجاه سال تحقیقات و مطالعات مجتبی مینوی. زیر نظر حبیب یغمائی و ایرج افشار و محمد روشن. تهران: سازمان چاپ و انتشارات جاویدان، ۱۳۵۰. ص ۱۸۸-۱۶۳.

_____ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.

رحمتی، محمد کاظم. «ابوطالب هارونی و کتاب الدعامة فی تثبیت الامامة». کتاب ماه دین. شماره ۶۲. آذر، ۱۳۸۱. ص ۸۷ - ۸۵.

_____ «بازمانده هایی از کتاب الزواجر و المواعظ». آینه پژوهش. سال چهاردهم. شماره ششم. بهمن - اسفند ۱۳۸۲. ص ۸۸ - ۸۳.

_____ «صدرالدین علی بن ناصر حسینی و نکاتی تازه درباره او»، گرمی نامه استاد عطاردی تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۷۰۱-۶۸۱.

_____ «متنی بی همتا در عرفان اسلامی». کتاب ماه دین. سال هفتم. شماره ۸۳-۸۴. شهریور مهر ۱۳۸۳.

_____ «معرفی جلاء الابصار فی متون الاخبار. متنی حدیثی از میراث معتزله». علوم حدیث. سال ششم. شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۰. ص ۱۳۶ - ۱۰۳.

_____ «نسخه های نیشابوری نهج البلاغه». مقالاتی در تاریخ امامیه و زیدیه. تهران: انتشارات بصیرت، ۱۳۸۷. ص ۳۴ - ۲۹.

_____ «نکاتی درباره معتزله متأخر: رکن الدین محمود ملاحمی و اهمیت وی در تکوین اعتزال». فرقه‌های اسلامی در ایران سده‌های میانه. تهران: انتشارات بصیرت، ۱۳۷۸. ص ۳۵ - ۱۳.

_____ «نکاتی درباره مکاتب فقهی زیدیه». جستارهایی در تاریخ اسلام و ایران. تهران: انتشارات بصیرت، ۱۳۹۰. ص ۱۷۳ - ۱۶۹.

الریحی، احمد عبدالرزاق. عبدالله محمد الحبشی و علی وهاب الأنسی. فهرست مخطوطات مکتبه الجامع الکبیر صنعاء. صنعاء: وزارت الاوقاف و الارشاد، ۱۴۰۴ق / ۱۹۸۴م.

زرزور، عدنان. الحاکم الجشمی و منهجه فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۳۹۱ق / ۱۹۷۱م. زید، علی محمد. معتزله الیمن و دولة الهادی و فکرمه. بیروت - صنعاء: دار العوده - مرکز الدراسات و البحوث الیمنی، ۱۹۸۱م.

شجری، المرشد بالله یحیی بن حسین جرجانی. سیره الامام المؤید بالله احمد بن الحسین الهارونی. تحقیق صالح عبدالله قربان. صنعاء: مؤسسه الإمام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۳م.

الشهاری، ابراهیم بن قاسم بن الامام المؤید بالله. طبقات الزیدیه الکبری (القسم الثالث) و یسمى بلوغ المراد

- الى معرفه الاسناد. تحقيق عبدالسلام بن عباس وجيه. عمان: مؤسسه الإمام زيد بن على الثقافيه، ١٤٢١ق/ ٢٠٠١م.
- عارف، أحمد عبدالله. مقدمه فى دراسه الاتجاهات الفكرية و السياسيه فى اليمن فيما بين القرن الثالث و الخامس الهجرى. بيروت: المؤسسه الجامعيه للدراسات و النشر و التوزيع، ١٤١١ق/ ١٩٩١م.
- المُحلى، حميد بن أحمد. الحدائق الوردية فى مناقب أئمه الزيديه. تحقيق المرتضى بن زيد المحطورى الحسنى. صنعاء: مطبوعات مكتبة مركز بدر العلمى و الثقافى، ١٤٢٣ق/ ٢٠٠٢م.
- _____ محاسن الأزهار فى مناقب إمام الأبرار و والد الدئمه الأطهار الإمام أمير المؤمنين على بن أبى طالب عليه السلام. تحقيق الشيخ محمد باقر المحمودى. قم: مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه، ١٤٢٢ق.
- المروزى الأزورقانى، اسماعيل بن الحسين بن محمد بن الحسين بن أحمد. الفخرى فى انساب الطالبين. تحقيق السيد مهدي الرجاى. قم: مكتبة آية الله المرعشى العامه، ١٤٠٩ق.
- المنصور بالله عبدالله بن حمزه. كتاب الشافى. صنعاء: منشورات مكتبة اليمن الكبرى، ١٤٠٦ق/ ١٩٨٦م.
- موسوى نژاد، سيد على. «زيديان شمال ايران در قرن هشتم هجرى بر اساس نسخه‌ای تازه‌یاب.» هفت آسمان. تابستان ١٣٨٧. شماره ٣٨. ص ١٣٨ - ١١٣.
- مؤيدى، مجدالدين بن محمد بن منصور. التحف شرح الزلف. صنعاء: مكتبة بدر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤١٧ق/ ١٩٩٧م.
- وجيه، عبدالسلام عباس. مصادر التراث فى المكتبات الخاصه فى اليمن. عمان: مؤسسه الإمام زيد بن على الثقافيه، ١٤٢٢ق/ ٢٠٠٢م.
- الوزير، السيد صارم الدين ابراهيم بن محمد. الفلك الدوار فى علوم الحديث و الفقه و الآثار. حققه و علقه عليه محمد يحيى سالم عزان. صعده - صنعاء: مكتبة التراث الإسلامى و دار التراث اليمنى، ١٤١٥ق/ ١٩٩٤م.
- Binyamin, Brahamov, "The Tabaristanis' question: edition and annotated translation of one of al-Kasim ibn Ibrahim's epistles," *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 11, 1988. pp.16-54.
- Ansari, Hassan and Sabine Schmidtke, "Mu'ytazilism After 'Abd Al-Jabbar: Abu Rashid Al-Nisaburi's *Kitab Mas'ûl Al-Khilaf Fi L-Usul* (Studies on the Transmission of Knowledge From Iran to Yeman in The 6th/12th And 7th/13th C., I)," *Studia Iranica* 39, 2010. pp.225-275.
- _____. "Iranian Zaydism During The 7th/13th Century: Abu L-Fadl b. Shahrdawir Al-Daylami Al-Jilani and His Commentary on The Quran," *Journal Asiatique*. No 299, 2011. pp.205-211.
- _____. "The religious literary tradition among 7th/13th century Yemenei Zaydis. The formation of the Imam al-Mahdi li-Din Allah Ahmad b. al-Husayn (d. 656/1258)," *Journal of Islamic Manuscripts*. No 2. 2011. pp.165-222.

- _____. "The Zaydi Reception Of Ibn Khallad's *Kitab AL-Usul* The *Ta'liq* Of Abu Tahir B. 'Ali AL-Ñaffar," *Journal Asiatique*. No 298. 2010. 275-302.
- Madelung, Wilfre. *Der Imam al-Qasim ibn Ibrahim und die Glaubenslehre der Zaiditen*. Berlin: Walter de Gruyter, 1956. pp.17-57
- _____. "The Alid Rulers of Tabaristan , Daylaman and Gilan," in: *Atti del III Congresso di Stadi Arabi e Islamica*, Ravello, 1966, Naples, 1967. pp.483-492.
- _____. "Abu Ishaq al-Sabi on the Aldis of Tabaristan and Gilan," *Journal of Near Eastern Studies*. No 26. 1967. pp.17-57.
- _____. "The Minor Dynasties of Northern Iran," *The Cambridge History of Iran. Volume 4: The Period from the Arab Incation to the Saljuqs*, ed., R. N. Frye. Cambridge: Cambridge University, 1975. pp.198-249.
- Gabriel Said Reynolds. "The Rise and Fall of Qadi 'Abd al-Jabbar," *International Journal of Middle East Studies*. No 37. 2005. pp. 3-18.
- _____. *A Muslim Theologian in the Sectarian Milieu. 'Abd al-Jabbar and the Critique of Christian Origins*. Leiden: Brill, 2004.
- Stern, S.M. "The coins of Amul," *Numismatic Chronicle*, 7 ser. 7 (1967), PP.205-278.
- Thiele, Jan. Propagating Mutazilism in the VIth/XIIth Century Zadiyya: The Role of al-Hasan al-Rassas, *Arabica*. No 57, 2010. pp.536-558.
- Voorhove, P. *Handlist of Arabic Manuscripts in the Library of the University of Leiden and other Collections in the Netherland*. Leiden University Press, The Hague: Boston & London, 1980.